

جهان در آیینۀ رویداد های تاریخ (از اول تا 30 ماه نوامبر)



س. ادیب

روز شمار اول ماه نومبر

=====

1 - روز مؤلف :- به تاریخ اول نومبر سال 1928 میلادی : هر سال در امریکا به منظور تشویق مؤلفان کتاب روز مؤلف اعلام شده است و به تدریج سایر کشورها هم یک روز سال را به روز بزرگداشت مؤلفان و دادن جایزه به آنان اختصاص داده اند، از نیمه قرن 20 بسیاری از کشورها یک مرکز دولتی به منظور تسهیل امر تألیف و قرار دادن وسائل تحقیق و تألیف و دادن قرض و کمک به چاپ و توزیع این تألیفات زیر نظر مستقیم رئیس دولت و یا حکومت دایر کرده اند، در قدیم پادشاهان و امیران مشوق و متولی تحقیق و تألیف بودند .

2 - کودتا در سایگون و مرگ «نگو دین دیم» :- به تاریخ اول نومبر سال 1963 میلادی : چند واحد قوای مسلح بر ضد دولت «نگو دین دین ام» که در سال 1955 بابرکنار کردن «بائو دای» امپراتور اسمی ویتنام جنوبی رئیس این کشور شده بود دست به کودتا زدند که ضمن این کودتا دین و برادرش کشته شدند و یک شورایی نظامی زمام امور را به دست گرفت که ضد کمونیست تر از «نگو دین دین ام» بود، دولت امریکا هفتم نومبر رژیم تازه را به رسمیت شناخت، همسر «نگو دین دین ام» که در زمان کودتا در امریکا بود دولت جان اف کندی رئیس جمهوری وقت امریکا را که خود 22 روز بعد در شهر دالاس ترور شد متهم به حمایت از نقشه کودتا و مرگ شوهرش کرد، در پی این کودتا، جنگ ویتنام و در نتیجه مداخله امریکا در این جنگ گسترش یافت «نگو دین دین ام» یک کاتولیک بود که پیروان این مذهب در ویتنام جنوبی در اقلیت هستند، فرانسویان در طول استعمار ویتنام، مذهب کاتولیک را در آنجا ترویج کرده بودند، نگو دین دیم باحمایت جنرال آیزنهاور رئیس جمهوری وقت امریکا بود که موفق شد در ویتنام نظام جمهوری برقرار کند، حال آنکه طبق قرارداد ژنیو قرار بود تا انجام فرمانده وحدت دو ویتنام، بائو دای رئیس قسمت جنوبی این کشور باشد، نگو دین دیم هنگام مرگ 54 ساله بود.

3 - سرزمین پاناما به کلمبیا پیوست :- به تاریخ اول نومبر سال 1821 میلادی: سرزمین پاناما پس از رهایی از سلطه هسپانیا به کلمبیا پیوست، پاناما در اوائل قرن 16 میلادی به تصرف هسپانیاییها درآمد و بعد از کشف معادن طلا در این کشور امریکاییها نیز توجه خود را به این منطقه زرخیز معطوف کردند، این کشور در سال 1903 میلادی موفق به کسب استقلال شد، جمهوری پاناما واقع در جنوب امریکای مرکزی است و کانال پاناما اقیانوس اطلس و آرام را به هم متصل می کند.

4 - آغاز جنگ در الجزایر :- به تاریخ اول نومبر سال 1954 میلادی: با شکل گرفتن نهضت آزادیبخش الجزایر به همت احمدین بلا جنگهای استقلال این کشور نیز آغاز شد، الجزایر در اوائل قرن 20 میلادی کاملاً در سلطه فرانسه قرار گرفت و در این مدت مبارزات آزادیخواهان مردم الجزایر بصورت پراکنده ادامه داشت، در سال 1954 میلادی با آغاز جنگهای استقلال طلبانه الجزایر دولت مصر به ریاست جمال عبدالناصر کمکهای مالی و نظامی فراوانی به این نهضت کرد و پس از اعلام موجودیت دولت موقت الجزایر در قاهره نبرد مسلحانه میان نیروهای قوای آزادیبخش الجزایر و نیروهای فرانسوی جنرال دو گل آغاز شد، سرانجام پس از مذاکره نمایندگان این دو کشور، الجزایر در سال 1961 میلادی استقلال خود را بازیافت.

روز شمار دوم ماه نومبر

=====

1 - اعلامیه تاریخی بالفور منتشر شد :- به تاریخ 2 نومبر سال 1917 میلادی: با اعلام انتشار اعلامیه با لفر 30 سال بعد سبب تشکیل اولین دولت یهودی در فلسطین شد، بالفور در آن زمان وزیر امور خارجه انگلستان بود و فلسطین با نظارت دولت استعماری انگلیس اداره می شد، اعلامیه بالفور حاکی از این بود که دولت انگلستان با تشکیل دولت یهودی در فلسطین موافق است و همه کوشش خود را برای تأسیس چنین دولتی بکار خواهد برد، سرانجام 30 سال بعد از صدور این اعلامیه استعماری که حقوق کلیه فلسطینیهای مسلمان آزاده را نادیده گرفته بود دولتی صهیونیستی در فلسطین روی کار آمد و از آن زمان تاکنون مبارزات در این سرزمین بین اسرائیلیان و فلسطینیان ادامه دارد.

2 - استقلال کشور اندونزی :- به تاریخ 2 نومبر سال 1949 میلادی: استقلال طلبان اندونزی و نیروهای هالندی موافقت نامه معروف به موافقت نامه نیروهای " هالندی" که از اگست سال 1945 میلادی با قیام آزادیخواهان دکتر «احمد سوکارنو» و «محمد حتی» رهبران استقلال اندونزی روبرو شده بودند بناچار خاک این سرزمین را ترک کردند، گفتنی است که جنگ استقلال مردم اندونزی چهار سال بطول انجامید و سرانجام به موجب این موافقت نامه جنگ پایان پذیرفت تا هنگام خاتمه این جنگ این سرزمین هند هالند خوانده می شد و پس از پیروزی استقلال طلبان این کشور به نام اندونزی خوانده شد، اندونزی بطور رسمی در سپتامبر سال 1949 میلادی مستقل شد.

3 - استقلال کشور الجزایر :- به تاریخ 2 نومبر سال 1961 میلادی: کشور الجزایر از فرانسه مستقل شد، این کشور از سال 1830 میلادی مورد هجوم قوای فرانسه قرار گرفت که همزمان با این تهاجمات مقاومت های وسیع و پیگیر انقلابیون الجزایری نیز بر ضد استعمار آغاز شد، در سال 1882 م ، الجزایر بخشی از فرانسه اعلام شد و متعاقب آن جنبش استقلال طلبانه مردم الجزایر به رهبری امیر عبدالقادر شدت بیشتری یافت بطوری که تشنجات ناشی از آن به اعلام خودمختاری و سپس استقلال و برقراری حکومت جمهوری در این کشور منتهی شد.

4 - انتخابات نومبر 2004 امریکا :- به تاریخ 2 نومبر 2004 میلادی: آخرین ارقام مربوط به انتخابات امریکا که تقریباً نهایی شد از این قرار اعلام گردید: جمع آراء جورج بوش 59 میلیون و 640 هزار و 394 (51 درصد) و جمع آراء جان کری 56 میلیون و 144 هزار و 712 (48 درصد) بیش از بیست میلیون از کسانی که به کری رای داده بودند جوانان و افراد زیر 30 سالگی بودند، در سنای صد نفری تعداد کرسی های جمهوریخواهان 51 ، دمکراتها 48 و یک کرسی هم غیر حزبی است، در مجلس نمایندگان (دوره دو ساله) تعداد کرسیهای جمهوریخواهان 228 و دمکراتها 206 است با یک کرسی غیر حزبی، آراء جورج بوش در ایالت اهایو 136 هزار بیش از جان کری بود و دمکراتها معترض بودند که چرا «کری» به جای درخواست دوباره شماری، به شکست خود اعتراف کرد و همین طور در «آیوا» که تفاوت آراء 13 هزار بود، در هر دو ایالت ماشین های رای گیری ضمن کار دچار نقص فنی شده بودند، مفسران برخی روزنامه ها نوشته اند که قابل قبول نیست که امر رای گیری در امریکا در ده ها نوع مختلف باشد و از روشها و ماشین های گوناگون استفاده شود که از ضریب دقت می کاهد و جای تردید و اعتراض باقی می گذارد، تحلیلگران امریکایی گمان نمی کنند که حزب دمکرات جان کری را بار دیگر نامزد مقام ریاست جمهوری کند زیرا که در جامعه امریکا آراء جوانان و روشنفکران به آن اندازه نیست که فردی با عقاید و روش جان کری را به کاخ سفید بفرستد، انتخابات اخیر نشان داد که عوام امریکایی محافظه کار و مذهبی است و لیبرالیسم چپ را نمی پذیرد، از تحلیل انتخابات اخیر امریکا چنین بر می آید که بر عده محافظه کاران این کشور افزوده شده است. پاره ای از جامعه شناسان 59 میلیون و 640 هزار رای داده شده به جورج بوش را نشانه تأیید سیاست جهانی تهاجمی دولت او و رفتار یکجانبه و دستوری شخص وی در قبال مسائل بین المللی دانسته و گفته اند که سیاست های دولت بوش انعکاس خواست اکثریتی است که در انتخابات دوم نومبر 2004 به حوزه ها رفتند و شمار آنان به مراتب بیش از انتخابات سال 2000 بود.

1 - تولد آندره مالرو نویسنده فرانسوی: به تاریخ 3 نومبر سال 1901 میلادی: آندره مالرو Andre Malraux هنر شناس و اندیشمند فرانسوی در پاریس به دنیا آمد «مالرو» بعد از اتمام تحصیلات متوسطه به مدرسه زبانهای شرقی وارد شد «مالرو» از 19 سالگی نوشتن آثارش را آغاز کرد و از اولین آثار او می توان سرزمین بیگانه را نام برد، آندره مالرو در طول عمر 75 ساله خود سفرهای متعدد به کشورهای مختلف کرد و در این سفرها بیش از همه شیفته تمدن آسیا و شهر زیبا و دیدنی آن شد، و در هندوچین به مخالفان استعمار که اروپاییان اعمال می کردند پیوست و جنبش جوانان " آنام " را سازمان داد و روزنامه ای تحت عنوان " هند و چین در زنجیر " منتشر ساخت «مالرو» در جنبش آزادیخواهی و استقلال طلبی ویتنام، انقلاب چین، همچنین مبارزه با هیتلر شرکت کرد و همیشه برای آزادی جنگید، وی در بازگشت به فرانسه چهار کتاب برضد استعمار نوشت که عناوین آنها از این قرار است: (فاتحان ، راه و رسم سلطنتی ، سرنوشت انسان ، فریبکاری غرب)، « مالرو» سپس به حمایت از جمهوریخواهان اسپانیا برخاست و به دولت فرانسه اصرار کرد که به آنها که سرگرم جنگ با سلطنت طلبان به ریاست جنرال فرانکو بودند طیارات نظامی بفرشد، پس از این که تعداد طیارات فروخته شده به 20 بال رسید به یافتن داوطلب برای کپتان آنها سرگرم شد و 20 پیلوت داوطلب به دست آورد، آنگاه به آمریکا رفت و به جمع آوری اعانه برای جمهوریخواهان اسپانیا پرداخت، وی کتاب تازه خود " امید بشر " را به این موضوع اختصاص داده که فیلم سینمایی شده است «مالرو» در جریان جنگ جهانی دوم وارد سازمانهای مقاومت فرانسه شد، یک بار توسط آلمانی ها دستگیر و نزدیک بود اعدام شود، پس از پایان جنگ به سمت وزیر اطلاعات و سپس وزیر امور فرهنگی فرانسه منصوب شد، کتابهای معروف دیگر او عبارتند از: (صداهای سکوت ، روانشناسی هنر ، امید، عصری اعتدالی، ضدخاطرات و سرنوشت بشر و...) رانام برد «مالرو» 23 نومبر 1976 در گذشت.

2 - استقلال پانامه: به تاریخ 3 نومبر سال 1903 میلادی: جمهوری پانامه استقلال کامل خود را اعلام کرد، پانامه در سال 1501 میلادی بدست کاشفان اسپانیایی کشف شد و در اوایل قرن 19 میلادی به تصرف کلمبیا درآمد، مردم پانامه از همان زمان جنبش آزادیخواهی خود را آغاز کردند، چندی بعد با ارائه طرحی برای تأسیس آبراه پانامه انقلاب مردمی در پانامه شدت گرفت، در ابتدای دهه 1960 میلادی مردم پانامه در برابر نفوذ و سلطه آمریکایی ها مبارزه را آغاز کردند و همین امر موجب قطع رابطه پاناما و آمریکا شد.

3 - سگی به نام لایکا در مدار زمین: به تاریخ 3 نومبر سال 1957 میلادی: دانشمندان فضایی شوروی با، قمر مصنوعی (ماهواره) "سپوتنیک - 2" سگی به نام لایکا را در مدار زمین قرار دادند، قمر مصنوعی (ماهواره) اسپوتنیک - 2 دومین سفینه فضا پیمای شوروی بود که در مدار زمین قرار گرفته بود و در ارتفاع 937 مایلی هر یک ساعت و 42 دقیقه یکبار کره زمین را دور می زد و وضعیت سگ به زمین مخابره می شد، این قمر مصنوعی همچنین او ضاع جوی را به زمین مخابره می کرد، اخبار مربوط به فعالیت این ماهواره مردم آمریکا را نگران ساخته بود که آیزنهاور رئیس جمهوری وقت برای رفع نگرانی آنان مجبور شد اعلام کند که پیشرفت فضایی شوروی و پیشی گرفتن آن بر آمریکا از این لحاظ فاقد ارزش نظامی است .

1 - تأسیس یونسکو: به تاریخ 4 نومبر سال 1946 میلادی: یونسکو سازمان علمی- فرهنگی و تربیتی وابسته به سازمان ملل متحد با عضویت بیست کشور جهان تشکیل شد، هدف از تأسیس یونسکو برقراری ارتباط علمی- فرهنگی بین ملت ها و انتشار کتابها و نشریات متعدد به زبانهای گوناگون دنیا بود تا از این طریق همبستگی فرهنگی میان ملت های جهان افزایش یابد، از موارد جالب و مهم در منشور یونسکو احترام همگانی به عدالت، حکومت قانون، حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی است، در یونسکو (منشی عمومی، هیئت اجرایی و کنفرانس عمومی) سه رکن اساسی بشمار می روند، فعالیتهای یونسکو، آموزش و پرورش، علوم اجتماعی، ارتباط همگانی و فراگیر، نوسازی و توانبخشی، فعالیتهای فرهنگی و کمک های فنی را در بر می گیرد، مقر سازمان یونسکو شهر پاریس است.

2 - اولین فراشوتیست هوایی: به تاریخ 4 نومبر سال 1956 میلادی: اولین دسته های "فراشوتیست "نیروهای هوایی دو کشور انگلستان و فرانسه در مصر فرود آمدند، و به این ترتیب جنگ "کانال سوئز "بین مصر از یک طرف و نیروهای فرانسه و انگلیس و اسرائیل از طرف دیگر آغاز شد، فراشوتیست، فرانسوی و انگلیسی با وجود دفاع مصریها در پورت سعید و پورت فوئاد فرود آمده و هر دو شهر را تصرف کردند، در این عملیات نیروهای اسرائیلی متحد فرانسه و انگلیس شرکت نداشتند.

3 - گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران: به تاریخ 4 نومبر سال 1979 میلادی (13 عقرب 1358 خ): نماینده پنجمد محصل از جوانان که خود را « دانشجویان پیرو خط امام خمینی » معرفی می کردند، ساختمان سفارت آمریکا در تهران را متصرف شدند و کارکنان آمریکایی حاضر در ساختمان را به گروگان گرفتند و آنجا را لانه جاسوسی نامیدند، آنان خواهان استرداد شاه شدند که در آمریکا بستری بود، محصلان در دومین روز تصرف سفارت آمریکا در تهران (14 عقرب 1358 خورشیدی) اعلام داشتند که کارکنان سفارت را تا استرداد شاه آزاد نخواهند کرد و اضافه کردند که در ساختمان سفارت اسنادی را در رابطه با حوادث کردستان و خوزستان به دست آورده اند، آخر وقت همین روز اعلام شد که انجنیر «بازرگان» پس از 268 روز حکومت ، کناره گیری دولت خود را اعلام و تسلیم کرده است و دلیل آن رویدادهای انتقاد افراد و گروهها به ویژه اعتراض به ملاقات او با برژنفسکی مشاور امور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا بوده است، تصرف سفارت آمریکا و گروگانگیری کارکنان آن که 444 روز طول کشید که یکی از رویداد های مهم ربع قرن آخر سده بیستم بود، در جریان محاصره سفارت دیپلماتهای سفارت با چند عضو ارشد به وزارت امور خارجه پناهنده و شماری هم پنهان شدند که بعدا معلوم شد به سفارت کانادا پناه برده بودند، و این مسایل بار دیگر با انتخاب احمدی نژاد بحیث رئیس جمهور آمریکا در سال 1384 خورشیدی سر و صدا های زیادی را مبنی بر اینکه بعضی از ارگانهای آمریکا ادعا نمودند که : در حادثه گروگانگیری سال 1358 خورشیدی ، احمدی نژاد نیز در بین محصلان دیده شده و در آن نقش داشته است که این مسایل در مرور کوتاهی فروکش کرد.

4 - سفر مک فارلین به تهران و فروش اسلحه: به تاریخ 4 نومبر سال 1986 میلادی : فاش شد که « مک فارلین» مشاور ویژه امنیت ملی رونالد ریگن رئیس جمهوری آمریکا با چهار آمریکایی دیگر به طور محرمانه وارد تهران شده و مذاکراتی انجام داده بودند، ریگن رئیس جمهوری وقت آمریکا حاضر نشد جزئیات قضیه را فاش سازد، وی از این اقدام خود (فروش اسلحه به ایران) دفاع کرد، وی در عین حال گفت که در این زمینه اشتباهاتی هم روی داده است، گزارش گروه های رسانه حکایت از آن داشت که طیاره حامل مک فارلین حامل مقداری اسلحه بود، در پی افشای این قضیه، قضیه ای که به «ایران - کنتررا» معروف شده بود تشکیل شد و مدتها بحث روز بود، این قضیه در گرما گرم جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد، این موضوع برای نخستین بار در یک نشریه لبنانی افشاء شده بود.

1 - قتل "ژان ژورس" پیشوای سوسیالیست فرانسه: به تاریخ 5 نومبر سال 1859 میلادی : " ژان ژورس " سیاستمدار و پیشوای سوسیالیسم فرانسه که در جریان یک توطئه در 1914 میلادی به قتل رسید، در "کاسترس" قدم به عرصه وجود گذاشت، وی بعد از ختم تحصیلات و اشتغال به امور سیاسی ،همه جا به جنگ و تقویت تعصب ملی مخالفت میکرد و چون اولیای فرانسه برای جبران شکستهای خود از آلمان در 1870 میخواستند دوباره جنگ را بر قرار کنند، روز 31 جولای 1914 میلادی او را کشتند.

2 - اختراع تلویزیون کامل :- به تاریخ 5 نوامبر سال 1905 میلادی: تلویزیون کامل، توسط یک مخترع 47 ساله آلمانی به نام "پل نیپکو" عرضه شد، پل نیپکو که به سال 1860 میلادی متولد شده بود، در 27 سالگی با تلویزیونی که یک صنعتگر آمریکایی به نام "جیمز کاري" اختراع کرده بود روبرو شد که صدا نداشت و عکسها را نیز متقاطع نشان میداد، پل نیپکو برای رفع این دو عیب، سالها زحمت کشید تا در توانست تلویزیون امروزی را اختراع کند.

3 - کشتار وحشتناک " آنفلوآنزا " در اروپا :- به تاریخ 5 نوامبر سال 1918 میلادی: بیماری مسری " آنفلوآنزا " کشتار وحشتناک خود را در اروپا آغاز کرد، این بیماری به سرعت مردم یکایک ممالک اروپایی را مبتلا کرد و در اندک مدت تعداد تلفات آنفلوآنزا از یک میلیون نفر نیز تجاوز کرد، هنگامی که تب آنفلوآنزا در اروپا فرونشست، مجموعاً 21640000 نفر از مردم اروپا را به کام مرگ فرستاده بود، علت این افزونی کشتار آنفلوآنزا این بود که هنوز آنتیبیوتیک های امروزی کشف نشده بود، و هم اکنون که این گزارش را مینویسم در بسیاری از کشور ها در طی هشت روز گذشته (26/10/2005) این سومین بار است که شیوع آنفلوآنزای مرگی H5N1 روی می دهد و مقامات روز چهارشنبه گفتند آنفلوآنزا بیش از 500 مرگ و غار را روز شنبه در ولایت مرکزی "هونان" کشت، در اروپا، مسئولان صحت عامه می گویند از مایش هایی که انجام گرفته است تأیید می کند ویروس مرگبار آنفلوآنزای مرگی H5N1 به کراسی سرایت کرده است در آنجا مقامات کشتن دسته های پرندگان را در نزدیکی محلی که اجساد قوهای آلوده پیدا شد، آغاز کرده اند، این ویروس در چندین کشور در شرق آسیا و نیز در روسیه، رومانی و ترکیه پیدا شده است، اکثر کشورهای اروپایی اینک پرندگان وحشی را از نظر ابتلا به ویروسی معاینه می کنند، تا کنون بیش از 60 انسان، و همه آنها در آسیا، در اثر ابتلا به آنفلوآنزای مرگی جان سپرده اند .

روز شمار ششم ماه نومبر

=====

1 - اشغال شهر کیف توسط ارتش سرخ :- به تاریخ 6 نوامبر سال 1943 میلادی : شهر زیبا و تاریخی " کیف " پایتخت اوکراین از جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، پس از نبردی خونین بدست سپاهیان ارتش سرخ شوروی اشغال شد و به این ترتیب به اشغال سه ساله آلمان نازی در کیف پایان داده شد، تصرف کیف آخرین فتح و پیروزی ارتش سرخ شوروی در سال 1943 میلادی محسوب میشود، مجموع تلفات آلمانیها در جنگ اوکراین بالغ بر 400 هزار نفر سرباز و افسر بود.

2 - سالروز انتشار کتاب «امریکای دمکرات» :- به تاریخ 6 نوامبر سال 1838 میلادی : جیمز فنیمور کوپر James F. Cooper (متولد 1789 و وفات در 1851 میلادی) که پنجاه اثر جالب از خود به یادگار گذاشته پس از یک اقامت نسبتاً طولانی در فرانسه در بازگشت به میهن خود آمریکا و مشاهده سیاستهای ها، کتاب «امریکای دمکرات» را نوشت و در آن ضمن انتقاد از سوء استفاده از دمکراسی در آمریکا به دفاع از ارزشهای انقلاب استقلال آمریکا و آرزوها و هدفهای موسسان این کشور که به « پدران موسس» شهرت یافته اند پرداخت، آثار بعدی او که متأثر از همین احساس بود انتقاد از وضعیت روز و نیز دفاع از حقوق سرخپوستان (بومیان) آمریکا بود، سبک او در نوشتن، پرداختن به جزئیات یک مسئله واقعی روز در قالب داستان بود، در آغاز کار نویسندگی و پیش از نوشتن کتاب امریکای دمکرات، کوپر یک ماجراجوی واقعی را به صورت داستان نقل می کرد و بهترین نمونه این نوع تالیف او کتابی است که در آن نقش جاسوسی در جنگ انقلاب استقلال آمریکا منعکس است، کوپر نخستین داستان نگار آمریکایی است که از این لحاظ شهرت جهانی یافته است، داستانهایی او به محض انتشار، به زبانهای دیگر ترجمه و چاپ می شد.

3 - بوجود آمدن محور تاریخی- سیاسی (برلین- توکیو- روم) :- به تاریخ 6 نوامبر سال 1937 میلادی: کشور ایتالیا به ریاست بنیتو موسولینی به قرارداد دو جانبه آلمان و جاپان ملحق شد، بدین ترتیب محور تاریخی- سیاسی (برلین- توکیو- روم) بوجود آمد و از این رو در جنگ جهانی دوم به این سه کشور متحد و به دیگر یاران آنها دول محور می گفتند، این قرارداد سیاسی و نظامی در همان سال یعنی 1937 میلادی میان آلمان نازی و امپراتوری جاپان به امضا رسید.

روز شمار هفتم ماه نومبر

=====

1 - آغاز جنگهای فنلند :- به تاریخ 7 نوامبر سال 1939 میلادی : با حمله قوای نظامی سرخ شوروی به مرزهای فنلند، دوره اول جنگهای معروف به "جنگهای فنلند" آغاز شد "جنگهای فنلند" یکی از عجیب ترین جنگهایی بود که در جریان پیکارهای بین الملل دوم اتفاق افتاد زیرا نسبت نیروهای طرفین 1 به 10 یعنی روسها ده برابر فنلندیها بودند ،ولی با این وصف فنلندیها با کمال شجاعت تا 2 مارچ 1940 میلادی مقاومت کردند و در این روز مغلوب قوای نظامی سرخ شوروی شدند.

2 - سالروز «انقلاب اکتبر» روسیه :- به تاریخ 7 نوامبر سال 1917 میلادی: در صبحگاهان گاردهای سرخ مرکب از کارگران و دهقانان کمونیست وارد کاخ زمستانی تزارها در سن پترزبورگ شدند و درحالی که کشتی های جنگی تند رو، بنام «اورورا» به اطراف کاخ گلوله می زد به عمر دولت موقت روسیه مرکب از لیبرالها و سوسیالیستهای میانه رو به ریاست کرنسکی پایان دادند، دسته های دیگر گارد سرخ و متعاقب آنان مردم ایستگاه راه آهن ، تیلیفونخانه ، دوقرارگاه نظامی شهر و ادارات دولتی را متصرف شدند و به این ترتیب 34 سال پس از مرگ کارل مارکس ، نظامی بر پایه اندیشه و فرضیه های او در روسیه (کشوریکه وضعیت و شرایط آن برای پیاده کردن فوری چنین فرضیه هایی آمادگی نداشت) روی کار آمد و 74 سال دوام آورد و جنگ جهانی دوم را از سر گذراند، کرنسکی در فبروری سال 1917 میلادی ، در زمانی که روسهای ناموفق در جنگ جهانی اول از تبعیض و فقر و بی ثباتی کشور شان به جان آمده بودند روی کار آمده بود و تزار نیکلای دوم اختیاراتش را به او سپرده بود تا به اوضاع روسیه سر و سامان بخشد که موفق نشده بود.

رهبری انقلاب بلشویکی روسیه را، ولادیمیر ایلیچ "لنین" برعهده داشت که تا چندماه پیش از انقلاب در سوئیس به حالت تبعید به سر می برد و باکمک آلمانی ها به وطن باز گشته بود، جوانان و طبقه تحصیلکرده روسیه با خواندن داستانهایی «تولستوی» که درست هفت سال پیش از انقلاب در 82 سالگی درگذشته بود از وضعیت موجود روسیه بیزار شده بودند و بی صبرانه در انتظار یک تحول اساسی (انقلاب) بودند 9 روز پس از سقوط سن پترزبورگ ، مسکو نیز به تصرف بلشویکها در آمد، لنین ماه بعد مذاکرات صلح را با آلمان و اتریش آغاز کرد، انقلاب روسیه ظرف دو - سه سال بر همه مخالفان داخلی و خارجی از جمله دولتهای انگلستان ، فرانسه ، جاپان و آمریکا که نیرو به کمک مخالفان داخلی فرستاده بودند پیروز شد، این نیروهای شوروی بودند که در سال 1945 میلادی برلین پایتخت آلمان را گرفتند و به جنگ جهانی دوم در اروپا پایان دادند، در پی جنگ جهانی دوم ، میان دو نظام اقتصادی جهان { سوسیالیسم و - کاپیتالیسم } و دولتهایی که این دو نظام را نمایندگی می کردند یک معارضة که به جنگ سرد معروف شد ونزدیک به پنج دهه طول کشید جریان داشت، شوروی در این مدت در موارد متعدد در ساختن سلاحهای تازه از جمله موشک از رقیب خود جلو افتاد و با کمکهای آن ، رقیب در دو جنگ منطقه ای (کره و ویتنام) ناموفق شد، ولی نظام شوروی توانست با آموزش و پرورش، نسلی وفادار را به بار آورد و تأمین نیازهای اقتصادی مردم خود را دست کم گرفت و امید آنان را به آینده نظام متزلزل ساخت .

گرداندگان نظام شوروی بعد از نیمه دهه 1980 میلادی قاطعیت خود را از دست دادند و با چند دو دلی و اشتباه آنان، نظام شروع به ریزش از درون کرد به گونه ای که بوریس یلتسین که روزگاری خود را از کمونیستهای وفادار نشان می داد و از پلکان حزب کمونیست بالا آمده بود در سال 1991 میلادی ، در سالروز انقلاب بلشویکی ، حزب کمونیست را که خود زمانی رئیس یک شعبه آن بود پس از 74 سال حاکمیت غیر قانونی اعلام کرد! و نزدیک به دوماه بعد هم با دومقام دیگر ، اتحاد شوروی را بدون توسل به رفراندوم و یا رای پارلمان منحل کرد و به سبب کمبود شدید روزنامه نگار واقعی و تاریخنگار مستقل (غیر وابسته به یک دولت) که جهان از اوایل قرن 20 از آن رنج می برد هنوز تحقیق بی

طرفانه در باره انحلال شوروي و راهبهايي که به اين انحلال ختم شد صورت نگرفته است، کشف حقايق در ادوار تاريخي سابق به مراتب آسان تر از قرن 20 و ادامه ان بوده است.

3 - همه جرمن ها در زیر یک پرچم :- به تاريخ 7 نومبر سال 1937 ميلادی: هيتر در جلسه شوراي وزيران المان اعلام داشت که تامين وحدت همه الماني هاي اروپا (جرمن ها) را در يك کشور و زیر يك پرچم هدف عمده خود قرار داده است و تاکيد کرد که از اين پس همه برنامه هاي دولت المان بايد بر اين محور بچرخد و از آنجا که قدرتهاي اروپايي که خود باعث پراکندگي الماني ها شده اند با اين هدف مقابله خواهند کرد ، ما از همين لحظه بايد خود را براي تامين اين هدف از راه بکار گيري ارتش نيز آماده کنيم، هيتر به وزيرانش گفت که نخست از راهبهاي سياسي خواهد رفت ، ولي رفتن به راه سياسي جز از موضع قدرت و داشتن يك اتکاي نظامي استوار بيهوده و کاري عبث است، اگر راهبهاي سياسي به نتيجه نرسد ما راه جنگ را براي رسيدن به هدف از دست نخواهيم داد که راهي پرمصرف است، بايد خود را مهيا کنيم و خطر را پذيريم .

روز شمار هشتم ماه نومبر

=====

1 - اشعه ايکس را " رونتگن: کشف کرد:- به تاريخ 8 نومبر سال 1895 ميلادي: گئراد رونتگن فزيکدان الماني اشعه ايکس را کشف کرد، رونتگن چون بدرستي اشعه کشف شده اش را نمي شناخت نام آن را ايکس يعني اشعه مجهول گذاشت، اين اشعه که از بدن انسان عبور مي کند بهترين وسيله براي تعيين ضايعات و شکستگی هاي است که در بدن انسان ايجاد شده است، رونتگن در سال 1901 ميلادي به علت کشف اين اشعه مهم و حياتي جايزه نوبل را در رشته فزيک بدست آورد.

2- خود مختاري داخلي کشور کامبوج:- به تاريخ 8 نومبر سال 1949 ميلادي: کشور کامبوج از ممالک آسياي جنوب شرقي به خودمختاري داخلي رسيد، اين سرزمين از سال 1863 ميلادي در تحت حمايه فرانسه شد و از سال 1941 ميلادي سيهانوک به پادشاهي اين کشور دست يافت، او پس از به قدرت رسيدن وعده حکومت پارلماني را به مردم کامبوج داد، سرانجام به سال 1949 ميلادي مبارزات مردم اين کشور به خودمختاري داخلي منتهي شد و دوسال بعد نيز کامبوج استقلال کامل خود را بدست آورد، جالب توجه است که سيهانوک در سال 1970 ميلادي کودتاي نظامي از کار برکنار شد اما با با خمرهاي سرخ ائتلاف کرده، نقاط مرزي کامبوج و تایلند را رهبري مي کرد.

3 - نخستين جراحي عمل پيوند قلب:- به تاريخ 8 نومبر سال 1969 ميلادی : دكتور " کریستيان بارنارد" در يك بیمارستان زادگاه خود(فدراسيون افريقايي جنوبي) براي نخستين بار در تاريخ بشر دست به عمل پيوند قلب زد و راه را براي اين کار باز کرد، کریستيان بارنارد هشتم نومبر سال 1922 ميلادی به دنيا آمد و دوم سپتمبر سال 2001 در گذشت، دكتور " بارنارد" تا سال 1983 ميلادی ، ظرف 14 سال 79 عمل پيوند قلب انجام داد که يکي از اين افراد 20 سال ديگر عمر کرد و بر اثر کھولت در گذشت، کار مهم ديگر او که دومين پشتنازي وي بشمار آمده است انجام عمل جراحي روي قلب نوزداني بود که با قلب ناقص يا بيمار به دنيا آمده بودند، دكتور " بارنارد" در سال 1983 به علت ابتلا به بيماري تورم مفاصل دست از جراحي دست کشيد و از آن پس به نوشتن کتب راهنماي بيماران دست زده بود، وي در تاريخ طب جاياگهي رفيع دارد.

4 - ترور محمد نادر پادشاه افغانستان :- به تاريخ 8 نومبر سال 1933 ميلادی (17 عقرب 1312 خورشیدی): نادر خان پادشاه افغانستان در اثناي توزيع جوايز در مکتب نجات (امانی) توسط جواني بنام عبدالخالق به ضرب گلوله کشته شد، برادران نادر زمينه اي بقدرت رسيدن برادرزاده خویش محمد ظاهر را مساعد ساخته و هيچکدامشان ادعای تخت و تاج را نکردند، زيرا که آنها بخوبي ميدانستند، که نفاق و پراگندگی خانوادگی زمينه تضعيف پايه های سلطنت و نابودی شانرا فراهم خواهد ساخت.

قضيه ترور نادر خان طوریکه در تاريخ درج است چنان است که: در مکتب حبيبيه، شهزاده محمدظاهر خان وليعهد سلطنت برای تقسيم انعامات جلسه ای بر گذار نمود و از پدرش اعلحضرت محمد نادر شاه خواسته بود تا برای تشويق شاگردان مکتب و برای ترسيخ محبت در دلهاي اتباعش، جوايز را بدست خویش تقسيم کند، از قضا و يا بخت بدش بعضی مردم در دل با محمد نادر شاه دشمنی داشتند، دشمنی زياد به خانواده سپه سالار چرخي بر می گردد، موصوف در عصر عبدالرحمن خان فرمانده نيروهای رزمی بود، آغاز اين دشمنی در زمان امير حبيب الله خان پسر امير عبدالرحمن خان اوج گرفت و علت آن اين بود که پسر ارشد سپه سالار چرخي، غلام نبي خان که او نيز یک فرمانده نظامی بود، خویشن را وارث وظيفه پدر می نگاشت، در حالی که امير حبيب الله خان، محمد نادر خان را به حيث فرمانده کل ارتش (لوی درستييز) مقرر کرد، زيرا وظيفه فرمانده کل ارتش (لوی درستييز) به مسئله وراثت ارتباطی ندارد و بایست کسی را به اين وظيفه گماشت که استعداد ولياقت آنرا داشته باشد، در عهد امير امان الله خان غلام نبي خان بحیث سفير در مسکو و برادر کوچکش که او هم فرمانده نظامی بود به حيث سفير در ترکیه گماريده شد.

امير امان الله خان در سال 1929 ميلادی بخاطر بغاوت بچه سقاء از تاج و تخت دست بردار گردید و مجبور شد افغانستان را ترک گوید، محمد نادرخان در سمت جنوبي و غلام نبي خان در سمت شمالی بر خلاف امير حبيب الله کلکائی مشهور به (بچه سقاء) زميند، محمد نادر خان پيروز شد و پادشاه گردید اما غلام نبي خان از دست طرفداران (بچه سقاء) در سمت شمالی شکست يافت ، پس از اعدام حبيب الله (بچه سقاء) غلام نبي خان و برادرش غلام جيلانی خان به کابل آمدند و به محمد نادر شاه بيعت کردند و او را به حيث پادشاه پذيرفتند. { در صفحه 391 کتاب " خاطرات ظفر حسن آبيک " بنام (افغانستان از سلطنت امير حبيب الله تا صدارت سر دار محمد هاشم خان - ترجمه : فضل الرحمن فاضل) آمده که ... رقابت ديرينه و دشمنی خویش را (هدف از غلام نبي خان و برادرش غلام جيلانی خان است) فراموش نه نمودند، آنها بر خلاف نادر شاه به توطئه دست يازيدند، خویشن را طرفدار، امير امان الله خان معرفی می داشتند و مردم را به شورش و بغاوت وا ميداشتند که به همين اساس هر دو به اعدام محکوم گرديدند، يکتن از دست پروردگان غلام نبي خان در روز تقسيم جوايز حضور داشت و او (هدف از یک متعلم مکتب نجات بنام عبدالخالق است) مخفيانه و مسلح آماده انتقام برای خانواده غلام نبي خان، از نادر خان بود و در همين جلسه بوسيله تفنگچه به نادر خان آتش گشود که به مرگ نادر خان انجاميد. }

در زمينه نادر خان در صفحه 222 و 223 کتاب (سر گذشت یک ملت مظلوم در مسير سده بيستم - تأليف مرحوم حضرت کوشان) از زاويه ديگری تحرير شده که: { .. چطور امير حبيب الله را نادر خان به قيد دست خط سوگند به قرآن مجيد، فريبکارانه، با همراهانش را بحیث مهمانی از شمالی بکابل دعوت داد؟ چگونه بعد از چند روز مهمانی، عريضه از جانب اقوام حاجی و منگل بدون رضایت و خير داشتن جعل وترتيب کرد تا زاده شمال کشور، امير حبيب الله جوانمرد و روستائی، به آنها سپرده شود تا به قتل برسانند؟؟ چطور در ظرف نه ماه سلطنت امير حبيب الله، آتش بی اعتمادی و دشمنی را بين ساکنين شمال و پشتون جنوب و جنوبي در داد؟ و يا چطور به قيد دستخط سوگند به قرآن مجيد، مقابل غلام نبي خان سپه سالار چرخي را به دام آورد و کشت و تمام خانواده اش اعم از طفل و جوان و پير را به محبس انداخت؟ چطور در ادای چندين بار سوگند به قرآن و حلف وعده بی روشنفکران وطن را اعدام نمود؟ چطور قشر مکتب ديده و منور در مقابل گرفتن امداد نقدی و اسلحه از بریتانیای عظمی توسط سپه سالار نادر خان و افشای راز های درونی و پنهانی و ساخت و بافت با انگريز و نفاق اندازی و سوگند شکنی و قرآن خوری او را کشف نمود و عاقبت یک شاگرد معارف و متعلم مکتب نجات بنام عبدالخالق را خلاف امر قصاص شرعی و خلاف امر قرآن، بند از بند بريند و شهيدش کردند، نه تنها اين، بلکه جرم یک شخص را به خانواده اش نسبت داده پدر و همه اعضای ذکور خانواده عبدالخالق شهيد را هم شهيد ساختند و حتی همصنفان و معلمان او را هم! }.

چه خوش گفت سعادى سخنور : ((رعيت زمين است و سلطان درخت بماند زمين و نماند درخت))

روز شمار نهم ماه نومبر

1 - تولد ایوان تورگنیف رمانوویس روسی :- به تاریخ 9 نوامبر سال 1818 میلادی : " تورگنیف رمانوویس مشهور روسی در " اورال "بدنیا آمد، خانواده‌هایش مردم اشرافی بودند و پدرش صاحب منصب بود ، هنگام تحصیل در رشته زیان‌شناسی، به فعالیت ادبی پرداخت و اولین اثرش " کاج کهن " نام داشت و اولین کتابش " خاطرات یگ ورزشکار بود " تورگنیف که همیشه طرفدار آزادی دهقانهای روسی بود، روز 3 سپتمبر 1883 میلادی وفات کرد.

2 - مرگ "کارل" سیاستمدار امریکایی :- به تاریخ 9 نوامبر سال 1908 میلادی : شورتز "سیاستمدار معروف و یکی از سرداران برجسته امریکایی، بعد از 79 سال زندگی سراسر مبارزه و هیجان بدرد حیات گفت ، وی روز 8 اکتوبر 1827 میلادی در " راشنات " آلمان متولد شده بود و مدتها صاحب منصب نظامی پروس (آلمان) بود ولی بعد به امریکا رفت و تبعه آن کشور شد و بعدها به مقام سناتور میسوری و سپس وزیر داخله رسید و در آخر عمر نیز روزنامه نویس مشهوری بود.

3 - انتخاب «جان اف کندي» بھيٹ رئيس جمهور :- بتاريخ 9 نوامبر سال 1960 میلادی: نخستین رئیس جمهوری کاتولیک امریکا در انتخابات عمومی سال 1960 این کشور که نتایج آن 9 نوامبر اعلام شد برای نخستین بار یک کاتولیک ایرلندی تبار را به ریاست این کشور فدرال برگزیدند، از زمان استقلال ایالات متحده از انگلستان ، رؤسای جمهوری آن کشور از میان «سفیدپان پروتستان انگلوساکسون تبار» انتخاب شده بودند که در انتخابات نوامبر 1960 این قاعده را شکست «جان اف کندي» یک دمکرات چپگرا و با توجه به سوابقش مردی میهن دوست بود.

4 - وفات شارل دوگل :- به تاریخ 9 نوامبر سال 1970 میلادی: شارل دوگل - مردی که عاشق بی قرار میهنش فرانسه بود - دیده از جهان فرو بست، وی 22 نوامبر سال 1890 در «لیل» به دنیا آمده بود و پدرش مدرس فلسفه و ادبیات بود، مورخان در این نکته متفق القولند که فرانسویانی که به اندازه دوگل در اندیشه بزرگی و حفظ شئون فرانسه و خدمت به آن بوده به شمار انگلستان دست نمی رسند، به گفته فرانسوا میتران رقیب سیاسی دوگل، هیچ فرانسوی به اندازه دوگل فرانسه را دوست نداشت؛ دوگل سخنگو و نماد شخصیت و وجدان فرانسه بود.

در مراسم ترحیم دوگل که 12 نوامبر 1970 بر گزار شد هشتاد رئیس کشور و رئیس دولت شرکت کردند، ولی طبق وصیت او به هیچکدام اجازه داده نشد که در مراسم تدفین او در دهکده محل اقامتش حضور یابد، دوگل از جوانی عاشق خواندن تاریخ و نوشتن بود، او در جنگ جهانی اول در جبهه «وردن» زخمی شد و به اسارت در آمد، پس از جنگ خاطرات اسارت نسبتاً طولانی خود را به صورت کتاب منتشر ساخت ، با ایجاد خط دفاعی «ماژینو» مخالفت کرد و در عوض نظر داد که فرانسه برای دفاع از خود واحدهای زرهی و مکانیزه با تحریک زیاد داشته باشد، دولت وقت فرانسه نظر او را نپذیرفت، ولی آلمانی ها آن فرضیه را وارد دروس مدارس نظام خود کردند و همان را به اجرا در آوردند و با همان تاکتیک فرانسه را تصرف کردند، پس از آغاز جنگ جهانی دوم و موفق نبودن فرانسه در آن، دوگل با سازش با آلمان مخالفت کرد و به انگلستان رفت و فرانسه آزاد و جنبش مقاومت را به وجود آورد، در اگست سال 1944 میلادی به فرانسه بازگشت و در آزاد کردن پاریس مشارکت کرد. پس از جنگ ، رهبری فرانسه را به دست گرفت، ولی از بازی های احزاب متفرق بود و یک جبهه ناسیونالیست مافوق احزاب تاسیس کرد، بانی جمهوری پنجم بود و در دور دوم به قدرت رسیدن خود به الجزایر استقلال داد و با اعتقاد به استقلال عمل فرانسه و اروپایی قاره ای دفاتر «ناتو» را از فرانسه اخراج و فرانسه را از فعالیت های نظامی «ناتو» کنار کشید و تا زنده بود با عضویت انگلستان در بازار مشترک مخالفت ورزید، رشته های دوستی فرانسه با شوروی و آلمان را مستحکم ساخت و میان سران فرانسه و این دو دولت ملاقاتهای منظم سالانه ترتیب داد و بالاخره فرانسه را به یک قدرت اتمی مستقل مبدل ساخت.

از آنجا که با حکومت پارلمانی به دلیل سیاسی با احزاب و نمایندگان پارلمانی میانه خوب نداشت بر اختیارات ریاست جمهوری افزود، باوجود این در سال 1968 میلادی با اعتصابات و تظاهرات محصلان و کارگران که محرک آنان کمونیستها و سوسیالیستها بودند رو به رو شد، اما شکست نخورد، هنگامی احساس شکست کرد که با خواست او مبنی بر محدود شدن اختیارات سناي فرانسه موافقت نشد که انتظار آن را نداشت و در اپریل 1969 میلادی کناره گیری کرد و به نوشتن کتاب روی آورد که 17 ماه بعد در گذشت، وی رتبه نظامی خود را که اوایل جنگ به او داده شده بود ارتقاء نداد.

روز شمار دهم ماه نوامبر

=====

1 - پناهنده شدن ویلهلم دوم در هالنند :- به تاریخ 10 نوامبر سال 1918، ویلهلم دوم قیصر آلمان (قیصر - لقب سابق پادشاهان روم) که دو روز پیش از آن کناره گیری کرده بود و وارد هالنند شده بود از این دولت درخواست پناهنده‌گی کرد که پذیرفته شد و تا پایان عمر (چهارم جون سال 1941میلادی) در آن کشور بسر برد و دوکتاب خوب نوشت، نخستین کتاب او که در سال 1922 میلادی انتشار یافت «خاطرات 1878 تا 1914» عنوان دارد که حاوی راههایی است که به جنگ جهانی اول منجر شد و نیز جریان جنگ در این کتاب، قیصر کوشیده است ثابت کند که منظور او یک جنگ محدود بود که پس از آغاز شدن ، از کنترل خارج شد و جهانی گردید، کتاب دوم قیصر شرح افکار و کارهای ایام جوانی او و تمایلات ناسیونالیستی اش است.

ویلهلم دوم با این که از جانب مادر نواسه ملکه ویکتوریا پادشاه انگلستان بود بیش از هر کس دیگر از انگلستان متفرق و از سیاست خارجی آن دولت منزجر بود و تحت تاثیر همین بیزاری دست به ساختن کشتی جنگی بزرگی برای آلمان زد که بتواند کمر انگلستان را بشکند، او که در سال 1859 میلادی به دنیا آمده بود در سال 1888 میلادی قیصر همه آلمان شد و دو سال بعد بیسمارک صدر اعظم آن کشور را برکنار کرد که خود در کتابش به این اشتباه اعتراف کرده است، ویلهلم با حکومت پارلمانی و نیز سوسیالیسم هردو مخالف بود و هر دو را مانع از ابر قدرت شدن آلمان می دانست، از مذاکرات و بحثهای طولانی مجلس چنان بیزار بود که اجازه نمی داد روزنامه های حاوی این مطالب را روی میز او بگذارند، این مذاکرات را ائتلاف وقت ملت می دانست، وی در مصاحبه با دبلی تلگراف چاپ لندن که مشروح آن در شماره 28 اکتوبر سال 1908 میلادی این روزنامه به چاپ رسید دشمنی خود با انگلستان را با دفاع از ایجاد یک بحریه نیرومند برای آلمان علنی ساخت، او ضمن دفاع از عمل خود گفته بود که خاور دور در حال بیدار شدن از خواب و قدرت گرفتن است و آلمان برای حفظ منافع جهانی خود ناچار است یک نیروی دریایی وسیع داشته باشد که بتواند در دریاهای دور دست وارد عمل شود، ویلهلم در این مصاحبه مشهور که به اتحادیه سازی ها در اروپا دامن زد پیش بینی روزی را کرده بود که چین بیدار شود و قدرت را بگیرد.

ویلهلم که تاریخ از او به عنوان یک ناسیونالیست آلمانی یاد می کند آنقدر زنده ماند که قدرت گیری دوباره آلمان شکست خورده را به چشم ببیند و شاهد پیروزی های نظامی آن در سالهای اول جنگ جهانی دوم باشد، با وجود این گفته بود که تا سلطنت اعاده نشود وی به آلمان باز نخواهد گشت، ویلهلم در منطقه "دوم Doom" هالنند عمارتی را با اراضی اطرافش برای سکونت خود خریداری کرده بود و برای این که دچار ضعف جسمانی نشود هر روز به بریدن درخت می پرداخت و تا زمان مرگ نزدیک به چهل هزار درخت را قطع کرده و اراضی اطراف ساختمان را عریان ساخته بود، دولت هالنند در سال 1945 محل سکونت قیصر پیشین آلمان را ملی اعلام کرد و اینک از آن به عنوان موزه استفاده می شود و برای بازدید عموم باز است، مقابل این عمارت مجسمه ویلهلم قرار داده شده است.

2 - "پلیس صلح بین المللی" تأسیس شد :- بتاريخ 10 نوامبر سال 1956 میلادی: نیروی "پلیس صلح بین المللی" در یک لحظه بحرانی به سبب روز جنگ کانال سوئز بین مصر و انگلیس - فرانسه و اسرائیل توسط سازمان ملل متحد تشکیل شد و وظیفه آن حفظ صلح و برقراری نظم و آرامش در مناطقی است که احتمال تصادم میان نیروهای مسلح و آماده دو طرف می‌رود، در این نیرو افراد کلیه ممالک مختلف عضو سازمان ملل متحد شرکت دارند و اولین فرمانده آنان نیز جنرال برنز افسر کانادایی بود.

3- کودتای 18 برومردر فرانسه:- بتاريخ 10 نومبر سال 1799 ميلادي: برومر نام دومين ماه در تقويم انقلابي فرانسه بود که برابر با ماه نومبر در تقويم ميلادي است، در چنين روزي ناپلئون بناپارت که قدرت را در فرانسه در دست داشت به دعوت پنهاني يکي از اعضاي هيئت مديره حکومتي سفر خود را به شمال افريقا ناتمام گذاشت و به فرانسه بازگشت، ناپلئون با اتکا به نيروي نظامي، پارلمان و هيئت مديره را منحل کرد و خود بطور رسمي و علني قدرت و زمام امور را بدست گرفت، ناپلئون با نام قونسل در مجمع قونسل حکومت خود را آغاز کرد و در سال 1802 ميلادي به عنوان قونسل اول مادام العمر برگزيده شد، گفتني است که ناپلئون يك سال بعد با برچيدن مجمع قونسل خود را امپراتور خواند و اين مقام را در خانواده اش موروثي اعلام کرد.

4- مراکش تحت حمايه فرانسه و هسپانيا در آمد:- به تاريخ 10 نومبر سال 1912 ميلادي: مراکش از آغاز قرن بيستم ميلادي مورد توجه قدرتهاي بزرگ استعماري قرار گرفت اما سرانجام در سال 1912 ميلادي پس از بحراني متعدد، بر اساس معاهده تماس مراکش ميان فرانسه و هسپانيا تقسيم شد، در همان زمان مقاومت مسلحانه مردم مراکش آغاز شد و عاقبت پس از سالها جنگ در سال 1956 ميلادي مراکش به استقلال رسيد.

روز شمار يازدهم ماه نومبر

=====

1 - تولد فن عکاسي :- به تاريخ 11 نومبر سال 1765 ميلادي: «نيسورني يه پئس» شيميدان فرانسوي و از بنيان فن عکاسي متولد شد، "ني يه پئس" در مقام کسي که به تهيه تصاوير پايدار در عکاسي موفق شده شهرت دارد، "ني يه پئس" صفحه آغشته به ماده حساس به نور را در اتاق تاریکي قرار داد و سپس براي تثبيت تصوير از طريقه معمول درگراورسازي استفاده کرد، "ني يه پئس" اولين کسي است که با اين روش عکس گرفت و عکسي که او در سال 1836 ميلادي برداشته بود سالها موقوف الاثر بود تا اینکه در سال 1952 ميلادي آن را در لندن يافتند، "ني يه پئس" همچنين با همکاري داگر اولين دستگاه دوربین عکاسي را در سال 1838 ميلادي طراحي کرد.

2 - متارکه نخستين جنگ جهاني:- به تاريخ 11 نومبر سال 1918 ميلادي: نخستين جنگ جهاني با امضاي پيمان نامه متارکه، جنگ پايان يافت جنگ جهاني اول طی سالهاي 1914 تا 1918 ميلادي ميان متفقين و دول محور ادامه داشت، بر اساس آمار ذکر شده در منابع در جنگ جهاني اول 11 ميليون تن کشته و 20 ميليون نفر مجروح و معلول شدند، همچنين خسارات فراوان مالي به کشورهاي درگير جنگ وارد آمد، گفتني است که دولتهاي (انگليس، فرانسه، روسيه و ايتاليا) متفقين و (المان، عثماني و بلغارستان) دول محور را تشکيل مي دادند.

3 - استقلال کشور زيمبابوه :- به تاريخ 11 نومبر سال 1965 ميلادي: دولت رودزيای جنوبي (که امروزه زيمبابوه خوانده مي شود) بطور يکطرفه استقلال خود را اعلام کرد، اين کشور در آن ايام حکومت نژادپرست "يان اسميت" رهبر سفيد پوستان رودزيای جنوبي در اين کشور با قدرت بسيار نهضت هاي امور مقاومت سپاه پوستان را سرکوب کرد ولي سپاه پوستان به جنگ با حکومت "يان اسميت" ادامه دادند، سپاه پوستان با سازماندهي گروه هاي مسلح ضربه هاي کوبنده اي بر حکومت "يان اسميت" وارد آوردند و سرانجام در سال 1965 ميلادي در رودزيای جنوبي نظام جمهوري برقرار شد و در سال 1980 ميلادي با برگزاري انتخابات «رابرت موگابه» به رياست جمهوري اين کشور برگزيده شد و از آن پس "رودزيای جنوبي" به (زيمبابوه) تغيير نام داد.

روز شمار دوازدهم ماه نومبر

=====

1 - انتشار کتاب: فرهنگ مندي - به تاريخ 12 نومبر سال 1963 ميلادي: کتاب «سيويک کالچر - فرهنگ مندي» تاليف «پروفيسور گابريل آلموند» و «سيندي وربا» که محتوای آن در جهان به صورت يك فرضيه سياسي شناخته شده و اصول و تعاريف آن رسميت يافته است انتشار يافت که در باره تکامل ديمکراسي و رفتار سياسي بشر است، در اين تاليف مهم، نفوذ افکار ارسطو به خوبي ديده مي شود، طبق اين فرضيه، ديمکراسي واقعي بدون درک کامل آن از سوي مردم و مشارکت وسيع و دلسوزانه در آن به وجود نخواهد آمد، بنا بر اين مردمی که از فرهنگ مندي بر خوردار نباشند «ديمکراسي واقعي» نخواهند داشت، بايد مردم به ديمکراسي وفادار و اصحاب ديمکراسي اعتماد مردم را به کارايي چنين نظامي جلب کنند، و تا اين دو اصل تحقق نيابد؛ مردم داوطلبانه آماده دفاع از ديمکراسي خود نخواهند بود طبق اين فرضيه فرصت طلبان سوءاستفاده گر، چاپلوسان و آزمندان سه دشمن اصلي رسيدن مردم به يك «فرهنگ مندي» هستند، اين دو استاد مردم را سه دسته کرده اند: يك دسته کسانی هستند که از ديمکراسي و امور حکومت بي اطلاع اند و در نتيجه مشارکت واقعي و صادقانه در آن ندارند؛ دسته ديگر اطلاع دارند ولي به دليل بديني و يا بي اعتمادی، در امور سياسي جامعه خود غير فعال هستند و دسته سوم که هم آگاهند و هم فعال، وقتي که دسته اول به حد اقل خود برسد و دسته دوم نيز فعال شود، جامعه داراي «فرهنگ مندي» خواهد شد که البته رسيدن به اين هدف آسان نيست و بدون داشتن تعليم و تربيه و همچنان آموزش و پرورش خوب (مکتب و رسانه) نيل به آن امکان پذير نخواهد بود، طبق اين فرضيه مراجعه به صندوقهاي رای گيري در روز انتخابات - بعضاً به اصرار - براي رسيدن به فرهنگ مندي کافي نيست و جامعه اي از فرهنگ مندي برخوردار خواهد بود که در آن، مردم از منافع عمومي دفاع کردن را عادت کنند و به يك امر طبيعي شان مبدل شود، مثلاً نخريدن از فروشگاهي که گرانفروشي مي کند و يا مخالفت با انتخاب مجدد نماينده اي که خوب کار نکرده و کار شکن است و به زير کشيدن کسانی که مانند جوکها در دامان دسترخوان ملت چسبيده اند و از خود ابتکار و شايستگی برای پيشبرد امور نشان داده نمی توانند.

2 - پيروزی حزب نازي :- به تاريخ 12 نومبر سال 1933 ميلادي: پيروزی حزب نازي اعلام شد که در انتخابات همان هفته المان، حزب سوسياليست ملي کارگران (نازي) 92 در صد آراء را به دست آورده است و زمام امور اين کشور را به دست خواهد گرفت، هیتلر رهبر اين حزب بود، تاريخنگاران اين پيروزي شگفت انگيز را که نقطه عطفی در تاريخ اروپا در قرن 20 به شمار مي آيد نتيجه شعارهاي دانسته اند که که المانيها از دير باز تشنه شنيدن آن بودند، هیتلر در نطقهاي خود با سر دادن اين شعارها آنان را اميدوار، و به اصطلاح ذوق زده کرده بود، هیتلر مي دانست که شعارها بايد مرهمی بر زخميهاي مردم باشد تا بر دلهاي شان بنشيند و نظرشان را به گوينده شعار به عنوان نجات دهنده جلب کند، المانيها در قراردادهای پايان جنگ جهاني اول (ورساي) تحقير شده بودند و غرامات و تعهدات سنگيني بر آنها تحميل شده بود، اقتصاد المان فلج شده بود و «مارک» پول ملي المان تقريباً بي ارزش شده بود، نظم سابق که المانی ها به آن عادت کرده بودند وجود نداشت و احزاب و گروه هاي سياسي اميدي به بهبود اوضاع نداشتند، در اين شرايط تنها با شعارهاي ناسيوناليستي و تحريك احساسات ملي و معرفي فردي به عنوان «منجي» مي توان همگان را جلب و پشت سر او متحد کرد که هیتلر و حزب نازي موفق به اين کار شده بودند.

3 - تظاهرات در مسکو بر ضد پوتين:- به تاريخ 12 نومبر سال 2002 ميلادي: به مناسبت سالروز انقلاب بلشويکي روسيه دهها هزار تن در خيابانهاي مسکو بر ضد پوتين شعار دادند و ماسک زده بودند تا به قول خودشان بوي کاپيتاليسم روسيه را استشمام نکنند، تحليلگران چيگرا در تفسير اين رويداد نوشته بودند که يازده سال از انحلال شوروي گذشته ولي هنوز از پيشرفت در کشور هاي سابق اين اتحاديه از جمله روسيه خبري نيست و اضافه کرده بودند که وعده داده شده بود که با برچيده شدن کمونيسم در روسيه، توليدات آن همانند صادرات چين بازار هاي جهان پر کند که هنوز اثری از آن نيست؛ نه موتر و تراکتور، نه ساعت و حتي زير پيراهني، محصولات بنگلادش و سريلانکا در بازار ساير کشورها ديده مي شود ولي از روسيه اثری نيست، در عوض، خبر از بدبختي هاي روسها است: از خرابي بیمارستانها، حراج اموال دولت و کارخانه هاي ملي تا گسترش مافيا، مهاجرت مردم، اعتياد به مواد مخدر، و حتي قاچاق زنان و گسترش ولگردی و پس چه شد آن کشوري که در جنگ دوم ويران شد و افزون بر 26 ميليون کشته داد و خم به ابرو نياورد، اولين انسان را در مدار زمين قرار داد و بمب هيبرجني پنجاه و هشت مگاتني آزمایش کرد، براي مصر سد اسوان و براي ايران کارخانه فولادسازي ساخت و برخي نوشته بودند که دقيق شدن در رويدادهای 11 سال اخير (از 1991 تا 2002)، پژوهشگران را متوجه اين نکته مي سازد که در دهه 1980 ميلادي بر ضد شوروي که

توانست بیش از 45 سال در جنگ سرد دوام آورد توطئه شده بود - توطئه ای که به نظر می رسد ادامه دارد و تعجب در اینجاست کسانی که می توانند دهها هزار نفر را به سرکها بکشاند و شعار مرگ بر این و آن بدهند چرا نمی روند این توطئه را که در وجود آن تردید نیست افشاء کنند و روسها و دیگران را روشن سازند تا چشم و گوششان را باز کنند، این جماعت تا به امروز حتی یک کتاب جامع و روشن در این زمینه منتشر نساخته اند و

4 - اشغال پرتگال توسط ناپلئون:- به تاریخ 12 نوامبر سال 1807 میلادی: سربازان ناپلئون بناپارت شهرلیسبون پایتخت پرتگال را اشغال کردند و به این ترتیب تسخیر پرتگال کامل شد، طی مبارزات اقتصادی فرانسه و انگلستان و به سبب تعلق دولت پرتگال در قطع روابط تجاری با انگلستان لیسبون به تصرف فرانسه درآمد، بدین ترتیب با تصرف پرتگال یکی از کشورهای همجوار فرانسه که برای دولت فرانسه خطر احتمالی داشت از صحنه سیاسی- نظامی اروپا خارج شد، گفتنی است که پس از اشغال پرتگال بدست نیروهای فرانسوی، اعضای خاندان سلطنتی پرتگال به کشور برزیل گریختند.

5 - استقلال کشور مالت :- به تاریخ 12 نوامبر سال 1964 میلادی: سرزمین مالت به استقلال کامل رسید، مالت از 1800 میلادی مستعمره انگلیس شد و از سال 1947 میلادی مرکز فرماندهی نیروهای اروپایی پیمان ناتو گردید، کشور مالت سرانجام در سال 1964 میلادی به استقلال کامل رسید.

روز شمار سیزدهم ماه نومبر

=====

1 - تولد: آنتوان دولووازیه :- به تاریخ 13 نوامبر سال 1743 میلادی: « آنتوان دولووازیه» شیمیدان فرانسوی درپاریس متولد شد« لاووازیه» به سبب علاقه فراوانش به علم شیمی، در این رشته به تحقیق پرداخت و نخستین کسی بود که اساس طریقه علمی تبدیلات و تغییرات شیمیایی را کشف کرد و علم شیمی را برپایه درستی استوار ساخت، ترکیب آب از دو عنصرگازی اکسیجن و هیدروجن و چگونگی تجزیه آن؛ همچنین اهمیت اکسیجن در احتراق از جمله اکتشافات مهم « لاووازیه» بشمار می رود، « لاووازیه» در سال 1794 میلادی به جرم مخالفت با انقلاب فرانسه به تیغ گیوتین سپرده شد.

2 - تولد ماکسول ریاضیدان:- به تاریخ 13 نوامبر سال 1831 میلادی: جیمز کلارک ماکسول ریاضیدان و فیزیکدان اسکاتلندی الاصل به دنیا آمد، ماکسول در دوران تحصیل بر اثر هوش و استعداد سرشار خود در ریاضی دانشمندی برجسته شد بطوریکه در 15 سالگی روشی به منظور ترسیم منحنی های بیضوی کامل به انجمن سلطنتی انگلیس ارائه داد، ماکسول در پایان تحصیلات خود در رشته ریاضی در دانشگاههای کمبریج و ادینبورگ، به تحقیق و مطالعه در علم نجوم پرداخت، ماکسول در کنار این مطالعات جدی درباره حرکت مولکولهای گازها از نظر ریاضی تحقیق کرد، او سرانجام ثابت کرد که الکتریسیته و مغناطیس جدا از هم وجود ندارند.

3 - تئوری کریتیکال :- به تاریخ 13 نوامبر سال 1924 میلادی : در فرانکفورت المان گروهی از جامعه شناسان، اقتصاددانها، و استادان فلسفه - روانشناسی و علوم سیاسی که انجمنی تاسیس کرده بودند ؛ روش تحلیل تازه ای را اعلام داشتند که به « تئوری کریتیکال » معروف شده است، تحلیلهای این انجمن این نتیجه را به دست داده بود که اگر از بورژوا کاپیتالیستها که مدعی نظم اجتماعی نوینی هستند حمایت شود و تقویت شوند و یا امکان تقویت شدن به دست آورند دیکتاتوری سرمایه به وجود خواهد آمد و حقوق فرد عملاً توسط کارتلها و شرکتها بزرگ محو خواهد شد، یک نتیجه دیگر تحلیلهای این انجمن این بود که اگر رسانه های گروهی به روشی که دارند و زاینده وضعیت روز بوده ادامه دهند به کاپیتالیسم، سلطه و زورگویی کمک خواهد شد؛ باید هدف آموزشی و فرهنگی رسانه ها بر منافع اقتصادی - سیاسی آنها چربد، باید هدف از تاسیس بنگاهها و نشرات رسانه ای، در درجه اول خدمت به مردم و پاسداری از حقوق آنان باشد تا تجارت و کسب مال برای خود، این انجمن برپایه « تئوری کریتیکال » ثابت کرده است که انحصار باعث تبعیض می شود و تبعیض جامعه را آماده انفجار از درون می سازد که با هر جرقه خواهد ترکید، دیگر از نتیجه گیری های این انجمن که پس از به قدرت رسیدن هیتلر، مرکز خود را به سویس منتقل و روش کار آن اینک جهانی شده است این بود که بدون رواج بحث آزاد و عمومی، دمکراسی در یک جامعه ریشه نخواهد گرفت و حقوق آدمهای کوچک (عوام الناس) محفوظ نخواهد ماند، گذشت زمان نشان داد که تقریباً همه این نتیجه گیری ها و پیش بینی ها درست بوده است، مخالفان جهانی شدن اقتصاد به همین نتیجه گیری ها استناد و همین روش تحلیل را دنبال می کنند.

4 - در گذشت پدر استعمار اروپایی :- به تاریخ 13 نوامبر سال 1460 میلادی: هانری شاهزاده پرتگالی معروف به «هانری دریا نورد» که از او به عنوان مبتکر یافتن راههای دریایی و استعمار سرزمین های دیگر توسط اروپاییان نام برده می شود در 66 سالگی در گذشت، در پی تلاشهای او برای یافتن راه دریایی به هند بود که سایر کشورها و در صدر آنها اسپانیا راه او را دنبال کردند و به استعمار سرزمین های دور دست زدند و با ثروت این سرزمین به پیشرفت و رفاه رسیدند و از نیمه دوم قرن 20 روش استعمار را که کهنه شده بود به صورتی دیگر در آوردند و در حال تکمیل و آرایش چهره آن هستند، استعمار اروپایی آن چنان بود که تا چند دهه پیش در قاره آفریقا تنها دو کشور استقلال داشت، در قاره آمریکا و اقیانوسیه این استعمار به صورت ایجاد مهاجر نشین بود و درصد بسیاری کمی از بومیان باقی مانده اند و

5 - غرق شدن نخستین کشتی طیاره بر:- به تاریخ 13 نوامبر سال 1941 میلادی : نخستین کشتی طیاره بر انگلیسی «آرک رویال» که در غرب مدیترانه بر ضد المان و ایتالیا ماموریت جنگی داشت بر اثر اصابت " اژدر" غرق شد، انگلیسی ها گزارش کرده اند که این کشتی 22 هزار تنی که در سال 1938 ساخته شده و هنوز جوان بود هدف حمله زیر دریایی شماره 81 المان قرار گرفت و غرق شد، ولی منابع دیگر غرق آن را نتیجه حمله یک زیر دریایی ایتالیایی می دانند، طیارات این کشتی قبلاً بندر ایتالیایی «جنوا» را بمباران کرده بودند و یک زیر دریایی ایتالیایی مامور شکار آن شده بود که به پایگاه جبل طارق بازمی گشت، طیارات " آرک رویال" قبلاً در حمله به کشتی المانی بیسمارک شرکت کرده بودند.

6 - محدود ساختن آزمایشهای اتمی:- به تاریخ 13 نوامبر سال 1921 میلادی: نخستین مذاکرات به منظور محدود کردن تولید تسلیحات با شرکت نمایندگان 9 دولت در واشنگتن آغاز شد که در هشت دهه گذشته در مورد قدرتهای بزرگ به نتیجه نرسیده است، ولی این دولتها به منظور حفظ قدرت و سلطه خود چشم دیدن اسلحه پیشرفته در دست کشورهای دیگر را ندارند، این مذاکرات که ظاهراً پایانی برای آنها متصور نیست تا کنون تنها موفق به محدود کردن آزمایشهای اتمی شده است، توافق هایی هم بر سر منع تولید سلاحهای بیولوژیک بعمل آمده است، همه می دانند تازمانی که خطر تجاوز وجود داشته باشد محدود ساختن تسلیحات، کاری عملی نخواهد بود، زیرا که تکلیف هر دولت دفاع از تمامیت و حاکمیت خود و محافظت از منافع اتباع است و تا پیشرفت در تولید سلاحهای تعرضی وجود داشته باشد نمی توان انتظار تحدید ساخت سلاحهای دفاعی و احیاناً تعرض متقابل را داشت.

7 - سالروز ساخت موتورجیب :- به تاریخ 13 نوامبر سال 1940 میلادی :کارخانه موتور سازی ویلیز امریکا نخستین موتور جیب را که بعداً شهرت فراوان یافت ساخت و به معرض تماشا گذارد، این موتور در آن زمان از نظر شکل ظاهری با موتور های دیگر کاملاً فرق داشت و مانند گادی دارای کمک بریک و دو دیفرنسیال بود، نام آن را موتور چند منظوره (جنرال پوریز و اختصاراً «جی پی») گذارند که بعداً «جی پی» تلفظ «جیب» به دست آورد و به همین صورت هم نوشته شد و واژه تازه ای بر فرهنگ لغات اضافه کرد که به موتوری دارای این شکل جیب می گویند، پس از ورود امریکا به جنگ جهانی دوم، این موتور مصرف نظامی پیدا کرد که هنوز هم استفاده از آن در این راه ادامه دارد.

روز شمار چهاردهم ماه نومبر

=====

1 - کشف سرزمین اکوادور :- به تاریخ 14 نوامبر سال 1533 میلادی: کاشفان هسپانیایی سرزمین اکوادور را کشف و ضمیمه کشور خود کردند، اکوادور مدت سه قرن تحت سلطه هسپانیا بود اما در سال 1822 میلادی مبارزات آزادیخواه مردم این سرزمین به رهبری سیمون

بولیوار آزادی را به اکوادور باز گرداند و این کشور به فدراسیون کلمیبیایی بزرگ پیوست، سرانجام در سال 1830 میلادی با برقراری نظام جمهوری در اکوادور این کشور به استقلال رسید، اکوادور در شمال غربی امریکای جنوبی واقع است.

2 - در گذشت لایب نیتز، فیلسوف المانی: - به تاریخ 14 نومبر سال 1716 میلادی: ویلهلم لایب نیتز ریاضیدان و فیلسوف المانی در 70 سالگی در گذشت، لایب نیتز از 15 سالگی به تحصیل فلسفه و ریاضی مشغول شد و مطالعات و تحقیقات ثمر بخشی در این دو رشته به انجام رسانید، لایب نیتز در سال 1676 میلادی حساب دیفرانسیل را پایه ریزی کرد و در شمار مشاهیر علوم ریاضی قرار گرفت.

3 - تولد جواهر لعل نهرو: - به تاریخ 14 نومبر سال 1889 میلادی: جواهر لعل نهرو از بزرگترین مبارزان ضد استعماری در الله آباد هند متولد شد، نهرو فارغ تحصیل رشته حقوق بود و بعد از عضویت در نهضت ملی هند عملاً به مبارزه ضد استعماری پیوست، پس از چندی با پیوستن مهاتما گاندی به نهضت ملی هندوستان این دو رهبر بزرگ سیاسی هند با پیشبرد مبارزات آزادیخواهی مردم هند ضربه‌های مهلکی بر پیکر استعمار انگلستان وارد آوردند، نهرو در مدت مبارزات خود ابتدا به ریاست حزب کنگره هند، و سپس به مقام وزارت امور خارجه دولت موقت هند برگزیده شد، نهرو از سال 1947 میلادی به مدت 16 سال در سایه حمایت‌های بی‌دریغ مردم هند قدرت را در کشورش بدست داشت، جواهر لعل نهرو در دوران مبارزه بارها دستگیر و زندانی شد، از این انسان آزادیخواه کتابهایی چون «زندگی من، نگاهی به تاریخ جهان و کشف هند» باقیست.

روز شمار پانزدهم ماه نومبر

=====

1 - در گذشت کیپلر، ستاره‌شناس: - به تاریخ 15 نومبر سال 1630 میلادی: یوهان کیپلر منجم و ستاره‌شناس المانی در 59 سالگی در گذشت، او در پایان تحصیلاتش به گراتس اتریش رفت و به تدریس پرداخت، کیپلر بعدها با تیکوبرا به منجم معروف آن عهد آشنا شد و از آن پس به تدریج علاقه و گرایش بسیاری به نجوم دراو آشکار شد، او سالها در این زمینه به مطالعه و تحقیق مشغول بود، قوانین کیپلر درباره حرکت سیارات و کشف حرکت بیضوی مریخ در مدار از نتایج مطالعات اوست.

2 - تولد ژان دالامبر: - به تاریخ 15 نومبر سال 1717 میلادی: ژان دالامبر ریاضیدان فرانسوی در پاریس متولد شد، او پس از تحصیلات متوسطه ابتدا حقوق و بعد طب خواند، اما علاقه او به ریاضی موجب شد که در این رشته به مطالعه بپردازد، دالامبر به سبب استعداد خود در علوم ریاضی دانشمندی برجسته شد و مهمترین کتاب خود یعنی دینامیک را به رشته تحریر در آورد، او همچنین از گردآورندگان دایرة المعارف دیدرو بود.

روز شمار شانزدهم ماه نومبر

=====

1 - مبارزات و قیام هوشی مین: - به تاریخ 16 نومبر سال 1945 میلادی: مین پرستان ویتنام نبرد را برای ریشه کن کردن نفوذ فرانسویان در آن سرزمین آغاز کردند، در این نبرد که عامل اصلی وقوع آن تجاوز قوای فرانسه به خاک ویتنام بود، مردم این کشور به فرماندهی هوشی مین فرانسویان را شکست دادند، سرانجام پس از 9 سال جنگ و تحمل مرارت‌های بسیار آنان را مجبور به خروج از کشورشان کردند، «نگوین نهانه معروف به هوشی مین» در 21 سالگی با یک کشتی به فرانسه رفت و در دوره جنگ جهانی اول و مدتی پس از آن در لندن به سر برد و نخست در آپشن‌خانه هتل کارلتون لندن کار می‌کرد، رفته رفته با کمونیست‌ها آشنا شد و از لندن نیروهای انقلابی را حمایت و از پراکندگی آنها جلوگیری می‌کرد، هوشی مین بدون شک و تردید یک استراتژیست و سازمان‌دهنده تمام پیروزی‌های مردم ویتنام و دارای فضیلت‌های اصیل بود، اغلب می‌گفت که: انقلاب یعنی سختی و پایداری در فداکاری برای حفظ مملکت و سوسیالیسم و تنها با گذشت از منابع شخصی است که می‌توان یک انقلابی سوسیالیست شد. این اندیشه و زندگی ساده و شخصیت انقلابی خودش بیشتر از همه منسجم بود، شصت سال زندگی هوشی مین توأم با کار مداوم در زندگی و فعالیت در کارهای مملکتی بود، او قلب و عشق خود را وقف هموطنان خود از همه طبقات و اقشار زن و مرد پیر و جوان اقلیت‌های ملی و گروه‌های مذهبی کرده بود «... هوشی مین نمونه درخشان روحیه‌ای بود که به‌طور بنیانی انقلابی است، بی‌پروائی و پشتکار در مبارزه، وقف کامل وجودش به حزب، به خلق و به انقلاب، تمام زندگی‌اش را با روح فداکاری برای رهائی طبقه کارگر، ملت و تمام بشریت، برای استقلال و آزادی و سوسیالیسم و ... وقف نموده بود» هوشی مین از همان نوجوانی، فردی انقلابی به شمار می‌رفت از 1911 تا 1924 میلادی در جستجوی راه انقلابی بود، هوشی مین به روشنی اعتمادی مطلق به نیروی انقلابی شکست ناپذیر توده‌ها برای سرنگونی حکومت استعمارگران فرانسوی و نمایندگان فئودال آنها پیدا نمود، وی نخست اقدام به سازمان انقلابی جوانان ویتنام آنگاه اتحادیه ستمدیده آسیا را تأسیس و کتاب جاده انقلاب را تألیف کرد، در اگست 1942 میلادی با نام هوشی مین به چین رفت تا با نیروی ضد جاپان و ویتنامی‌های مقیم آنجا تماس برقرار کند اما چون وارد چین شده بوسیله مأموران «چیاکیچک» توقیف و زندانی شد و در طول این مدت مجموعه اشعار خاطرات زندان را نوشت و پس از اینکه از 13 منطقه به 18 زندان اشتغال یافت و زجرها و سختی‌های بسیار تحمل کرد، موهابش خاکستری شد و داندانهایش را از دست داد ولی این سختی‌ها در اراده آهنین خللی وارد نساخت، در 1944 میلادی بعد از 33 سال دوری از وطن، از مرز چین گذشت و به انقلابیون ویتنام در کوهستانها پیوست، در روز 22 دسمبر سال 1944 نخستین دسته مسلح «ویت مینه» با شرکت 24 نفر تشکیل داد این دسته چریکی با کمک دفتر خدمات استراتژیکی که فعالیت محدودی داشت در سراسر ویتنام به عملیات چریکی پرداخت و در مدتی کوتاه عده آنان به چند هزار نفر رسید، بافتادن تسلط هند و چین بدست جاپانی‌ها «ویت مینه» وسعت عملش را تا نواحی روستائی شمالی که در چنگ فرانسوی‌ها بود کشانید و چون جاپان شکست خورد بر جرئت چریک‌های ویتنامی افزوده شد، در جریان تسلیم جاپان «ویت مینه» با سایر رهبران انقلاب کنگره ای در کوهستان تشکیل دادند و یک کمیته آزادی بخش ملی تعیین نمودند تا انقلاب آینده زیر نظر هوشی مینه، بشمر برسد، هوشی مین مردم را به قیام دعوت کرد و گفت: اینک ساعت آن فرا رسیده تا در همه جبهه‌ها دست بعملیات تعرضی زده شود.

در دوم سپتمبر سال 1945، هوشی مین در قرائت بیانیه استقلال ویتنام چنین گفت: «ویتنام باید یک کشور آزاد و مستقل باشد و در حقیقت هم اکنون چنین است، خلق ویتنام بر آن است که تمام نیروی جسمی و فکری خود را بسپارند، خود را فدا کنند تا حافظ این آزادی و استقلال باشند هوشی مین در 29 سپتمبر 1946 میلادی فراخوانی برای مقاومت ملی صادر نمود: «ما صلح می‌خواهیم، ما گذشت‌هایی کرده ایم، ولی هر چه بیشتر گذشت می‌کنیم، استعمارگران فرانسه بر ما بیشتر فشار وارد می‌آورند زیرا، آنان عزم کرده‌اند که یکبار دیگر کشور ما را فتح کنند، و ما ترجیح می‌دهیم همه چیز را فدا کنیم تا استقلال کشور خود را از دست ندهیم و به بردگی کشیده نشویم، هوشی مین برای شرکت دادن همه مردم در مبارزه ضد استعماری خط مقاومت طولانی، توده‌ای و متکی بخود، و سه مرحله مقاومت (دفاعی، جنگ و گریز فعال، و هجوم عمومی) آمیخته فداکاری را بوجود آورد، هوشی مین در تاریخ خلق‌های هندو چین و همه خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای مرکزی بعنوان مظهر مبارزه مین پرستانه برای استقلال ملی به ثبت رسیده است، شایان توجه است که پس از این جنگ به موجب موافقت نامه ژنیو، ویتنام به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شد.

2 - اندرزهایی برای ترقی بشر: - به تاریخ 16 نومبر سال 1793 میلادی: در همان روز که شیلر تاریخ جنگ‌های سی ساله را منتشر کرد، یوهان گوئتفرت هردر، فیلسوف، نویسنده و شاعر المانی نیز اثر دیگر خود (اندرزهایی برای ترقی بشر) را به توزیع داد «هردر» (متولد 1744 و متوفا در 1803 میلادی) آثار مهم دیگری از جمله «نگاهی به فلسفه انسان»، «تحولات تاریخ‌ساز»، «تطبیق افسانه‌ها»، «تطبیق ادیان»، «ریشه واژه‌ها»، «عشق به یادگیری» و «مجموعه سرودها و ترانه‌های فولکلوریک ملل» دارد، افکار فلسفی «هردر» عمدتاً در دو اثر او «نگاهی به فلسفه انسان» و «تحولات تاریخ‌ساز» منعکس است، برخی مترجمان انگلیسی این دو کتاب را ترجمه و عناوین این دو اثر را به «رنوس مطالب فلسفه انسانی» و «رویدادهایی که تاریخ می‌سازند» تغییر داده‌اند. عقاید فلسفی «هردر» با «کانت» تفاوت زیاد ندارد، وی)

نادانی، بی‌دانشی و نا آگاهی) را عامل عمده خروج بشر از راه درست دانسته و به زعم او بشر با دانش و آگاه کمتر گرد گناه و خطا می‌گردد، مگر این که دنیا پرست و از منند شده باشد، کتاب اندرزهای او فایده در فراگیری تعلیم و تربیه آموزش استعداد انسان دارد، به عقیده او آموزش کودک از پنجسالگی باید شروع شود و به رعایت محدودیت‌ها و احترام به حقوق دیگران و عدم تجاوز از حقوق خود باید آموخته شود.

3 - کشتار ارمنی ها :- به تاریخ 16 نومبر سال 1894 میلادی : سرایان دولت عثمانی (ترکیه امروز) در منطقه کردستان دست به کشتار ارمنیان ساکن آن منطقه زدند که دولت عثمانی نسبت به وفاداری آنان تردید داشت و در این روز دست کم شش هزار ارمنی- مسیحی و مسلمان - را کشتند، کشتار ارمنی‌ها از قلمرو عثمانی و تبعید آنان به ویژه به سوریه و لبنان در سالهای بعد نیز تکرار شد که یک فاجعه انسانی بوده است، در قدیم مناطق شرقی ترکیه تا دریاچه وان ارمنی نشین بود و ارمنستان خوانده می‌شد که اینک تنها شمال این منطقه جمهوری ارمنستان است.

4 - تولد تیبریوس امپراتور روم :- به تاریخ 16 نومبر سال 42 پیش از میلاد: تیبریوس امپراتور روم به دنیا آمد و در سال 37 میلادی درگذشت و 23 سال حکومت کرد، وی بود که اعلام کرد هر دولت خارجی که به شئونات روم بی‌اعتنایی کند و یا این که قوانین روم را نادیده بگیرد! مجازات خواهد شد که نهایت زورگویی بود، این اخطار او وقتی جدی شد که سنای روم آن را تصویب کرد و به صورت قانون در آورد، تیبریوس در سالهای آخر عمر بدبین‌تر و سختگیرتر شده بود به گونه‌ای که به یک مورخ رومی که شرح شکست یک قوای نظامی روم را نوشته بود اتهام خیانت زد، باوجود این مخالف و لخرجی و مصارف بی‌مورد بود و خزائن روم در زمان او پرتر از همیشه بود، تیبریوس اواخر عمر دچار بیماری افسردگی شد و با این که مقام خود را حفظ کرده بود گوشه‌گیر شد و در همین وضعیت درگذشت.

روز شمار هفدهم ماه نومبر

=====

1- قیام دانشجویان و کارگران در " آتن " :- به تاریخ 17 نومبر سال 1973 میلادی: دانشجویان و کارگران یونانی برضدحکومت نظامی بپاخاستند و 37 تن از آنان در این قیام جان باختند که انعکاسی بزرگ در سراسر جهان داشت برخی، و عمدتاً مشاوران سیاسی دولتهای معین از فرصتی که تأثیر اخبار این قیام در افکار عمومی ایجاد کرده بود بهره‌گرفتند و به این رویداد «**سر آغاز موج تازه دمکراتیزاسیون در جهان**» عنوان دادند و خواستند که ادامه یابد که به تدریج به صورت حربه‌ای سیاسی در دست آن چند دولت برای تهدید دولتهای معارض قرار گرفت گرچه دوران کودتا در امریکای لاتین و افریقا عملاً پایان یافت، ولی تمرین دمکراسی در این کشورها بر پایه فرضیه‌های اندیشمندان قرون 17 تا 19 غرب که برگرفته از فرهنگ اروپایی بود نتیجه مطلوب به بار نیامد و به جای شایستگی؛ آزمندان را روی کار آورد و آنان را معتاد به «مقام» کرد، انتخابات اخیر چند کشور پیشرفته نشان داد که در این کشورها هم آن فرضیه‌ها با همه تبلیغی که در قرن گذشته برایشان شده است کاربرد ندارند و ثمربخش واقع نمی‌شوند و نمی‌توان امید داشت که بر پایه آنها امکان شایستگی یک جامعه را که نیتی جز خدمت بی‌دریغ به جامعه خود ندارند برای مدیریت یافت و برای انتخاب شدن معرفی و توصیه کرد، گسترش وسائل تبلیغ و سوء استفاده از این ابزار برای قبولاندن افراد به تدریج مزید بر علت شده و همان فرضیه‌های کتابی را هم وارد راهی پر از دست انداز ساخته است، نتیجه این شده است که اعضای آگاهتر جامعه نسبت به مشارکت در امری که می‌دانند ثمره مطلوب ندارد بی‌اعتنا شده‌اند و این بی‌اعتنایی به فرضیه‌های دمکراسی، اندیشمندان را به چاره‌جویی واداشته تا طرحی نو برای دمکراسی که واژه‌ای گیرا، دلچسب و نوید بخش است تهیه کنند که مطلوب و دارای کاربرد باشد، این اندیشمندان مشکلات داخلی جوامع بشری، جز در چند کشور کوچک، و مسائل بین‌المللی را نتیجه نقائص دمکراسی کهن می‌دانند حکومت نظامی در یونان در پی کودتای 24 اپریل 1967 میلادی برضد دولت انتخابی کارامانیلیس روی کار آمده بود و ریاست این دولت با مرد نظامی بنام «جورج پاپادوپولوس» بود که با استبداد تمام حکومت می‌کرد، چون شاه یونان از حکومت نظامی حمایت نکرده بود، پس از مدتی نظام حکومتی یونان را جمهوری اعلام کرده بودند، در پی قیام دانشجویان و برخی کارگران آتن و سرکوب خونین آنان، یک دسته نظامی دیگر به رهبری جنرال «جیزیکیس» با استفاده از نفرت افکار عمومی جهان از حکومت نظامی یونانی برضد آنان دست به کودتا زد و به این حکومت پایان داد و پاپادوپولوس را بازداشت کرد، این حکومت هم نتوانست بیش از چند ماه دوام آورد که 23 جولای 1974 میلادی کارامانیلیس به یونان بازگشت، برکناری حکومت نظامیان سبب بازگشت سلطنت به یونان نشد و در مورد بازگشت پادشاه قرار شد فرارند شود که در این همه پرسى «سلطنت» رای نیامد و جمهوری ادامه یافت، سلطنت یونان ساخته و پرداخته قدرتهای اروپایی در نیمه اول قرن 19 پس از طرد عثمانی‌ها از یونان بود، کارامانیلیس پس از بازگشت به یونان، سرزمینی که اندیشه دمکراسی در آن زاده شده است، نظامیان کودتاگر را به دادگاه سپرد که در جریان محاکمه پاپادوپولوس به اعدام محکوم شد که بعداً به او یک درجه تخفیف داده شد و در سال 1999 در 80 سالگی درگذشت.

2 - ماهواره های اطلاعاتی چین در فضا :- به تاریخ 17 نومبر 2004 میلادی: خبر گزارى چین گزارش داد که این کشور طبق یک برنامه تنظیم شده، در نظر دارد که صد قمر مصنوعی اطلاعاتی به فضا بفرستد، این قمر مصنوعی که یک شبکه پیوسته فضایی تشکیل خواهند داد گوشه و کنار چین را زیر نظر خواهند داشت، این نظارت تنها برای جلوگیری از تعرض به چین نیست بلکه مراقب زمین، آب، رودخانه‌ها، مزارع، فعالیت‌های شهری و ساختمانی هم خواهند بود.

روز شمار هجدهم ماه نومبر

=====

1 - سرآغاز استعمار خاور زمین :- به تاریخ 18 نومبر سال 1488 میلادی: «بارتولومو دیاز»، دریانورد پرتگالی، به منتهی‌الیه قاره افریقا رسید و آنجا را که دو اقیانوس اطلس و هند با هم تلاقی می‌کنند دماغه توفانها نام نهاد، ولی پس از بازگشت به پرتگال و دادن گزارش کار خود به «پرنس جان دوم» رئیس کشور پرتگال، جان دوم نام دماغه که باب تازه‌ای را به روی اروپاییان می‌گشود به «دماغه امید نیک» تغییر داد که هنوز به همین نام باقی‌است، سران پرتگال از جمله «جان دوم» و «مانوئل» که اندیشه‌های پرنس هانری (هانری دریانورد) را با حرارت تمام دنبال می‌کردند پس از تصرف انگولا در غرب افریقا در سال 1484 میلادی به فکر یافتن راه دریایی هند از جنوب افریقا پرداخته بودند، ماموریت «دیاز» دو سال طول کشید و وی در بازگشت به «لیسیون» به «پرنس جان دوم» گزارش داد که با نزدیک شدن به جنوب افریقا ستاره شمال ناپدید شد و دماغه، منطقه‌ای توفانی است که او مجبور به عبور زیگزاگ از آن شد و مسافت کوتاهی را در 13 روز طی کرد، آن طرف دماغه مردمی زندگی می‌کنند که تمدن بالاتری دارند و به زبانی دیگر تکلم می‌کنند، رئیس کشور پرتگال پس از دریافت این گزارش و تنظیم نقشه دریایی بر پایه مدار و نصف النهار، در سال 1497 میلادی «وسکو داگاما» را که یک نظامی دریانورد بود با چهار کشتی مجهز به 20 توپ و 170 تنفنگدار روانه هند کرد که این گروه 22 نومبر سال 1497 میلادی از «وسکو داگاما» گذشت و از طریق موزامبیک و مومباسا و با کمک یک راهنمای هندی به نام ابومجید که با او در یک بندر افریقای شرقی آشنا شده بودند و یک دریانورد بود 23 ماه می سال 1488 تقریباً یک سال پس از ترک «لیسیون» به ساحل غربی هند در «کالیکت» رسید، به این ترتیب، وی و همراهانش اولین اروپاییان بودند که از طریق دریا به هند رسیده بودند، کریستف کلمب شش سال پیشتر (1492 میلادی) برای یافتن راه دریایی هند از طریق دریاهای غرب به قاره آمریکا رسیده بود، وی از سوی هسپانیا مامور این کار شده بود.

داگاما با پرداخت رشوه و دادن هدیه از تحریک حکمران محلی در هند به دشمنی با خود پیشگیری کرده و ماندگار شده بود، وی در بازگشت به پرتگال گزارش کرد که مسلمانان شرق عمدتاً نسبت به مسیحی بودن آنان عکس‌العمل نشان می‌دادند تا اروپایی بودنشان، داگاما در سفر دوم برای ایجاد پایگاهی در ساحل هند از توپ استفاده کرد، در پی سفرهای داگاما و کلمب راه برای استعمار اروپایی باز شد، مخصوصاً که پاپ با صدور فرمانی قاره آمریکا (اموال و اراضی بومیان معروف به سرخپوستان) را به هسپانیا و پرتگال بخشید! همزمان با این تحولات، به

حکومت مسلمانان هم که بر گوشه ای از اسپانیا مسلط بودند خاتمه داده شد، جانشینان داگاما بودند که به خلیج فارس دست اندازی کردند و مسائل موجود منطقه، ریشه همان دست اندازی ها و رقابت های استعماری است.

2 - کتاب بوش در جنگ :- به تاریخ نومبر 2002 میلادی : « باب ودودارد» نایب سردبیر اجرایی واشنگتن پست و روزنامه نگار آمریکایی در کتاب خود تحت عنوان « بوش در جنگ» مطالبی متعدد را افشاء کرده است، از جمله نوشته است که در آغاز ماجرای افغانستان چون مشاوران بوش به پیروزی نظامی حتی با اعزام 50 هزار سرباز تردید داشتند به «سپا» متوسل شدند که این سازمان با پرداخت 70 میلیون دلار اسکناس صد دلاری نقد به سرکردگان افغان (وار لردها)، به دست آنان طالبان را از صحنه خارج ساخت و .. با همین پول بعضی از قوماندانان برای خود آزاری سرپوشیده ساخته است، «وود وارد» در جای دیگر کتاب خود نوشته است که کولن پاول وزیر خارجه امریکا که در جریان جنگ سال 1991 میلادی با عراق رئیس مرکزی قوای امریکا بود با نظر «چی نی» معاون بوش و رامسفلد وزیر دفاع برای جنگ با عراق مخالفت می کرد و چون موفق نشد در جلسات چند نفری نظر خود را بقبولاند در فرصت مناسب با بوش به تنهایی ملاقات کرد و گفت که اگر کشور های دیگر کمک نکنند، حمله نظامی امریکا به عراق نتیجه ای جز فاجعه ببار نخواهد آورد و تاکید کرد که امریکا به تنهایی اگر هم از برقراری آرامش از عهده این جنگ برآید در عراق موفق نخواهد شد، این کتاب دارای 378 صفحه است.

روز شمار تازدهم ماه نومبر

=====

1 - در گذشت موسیقیدان اتریشی :- به تاریخ 19 نومبر سال 1828 میلادی: فرانست شوبرت موسیقیدان شهیر اتریشی ساعت 3 بعد از ظهر 19 نوامبر سال 1828 در گذشت و نزدیک گور بتهوون مدفون شد، شوبرت از نوابغ موسیقی جهان بشمار می رود، پدرش که مدیر مدارس حومه شهر وین بود و از کودکی استعداد فرزندش را به موسیقی تشخیص داده بود او را به مدرسه موسیقی سپرد، شوبرت مدت کوتاهی هم معلم مدرسه بود ولی همواره آهنگ می ساخت و برای خود یک تیم مرکب از یک شاعر، یک خواننده و دو نوازنده تشکیل داده بود و لحظه ای از فکر نوشتن یک آهنگ تازه غافل نبود، تشکیل چنین تیمی از او به آهنگسازان به میراث مانده است، او علاقه فراوان به بتهوون داشت، در مراسم تدفین بتهوون وصیت کرد که وی را پس از مردن در مجاورت وی مدفون سازند، شاهکارهای شوبرت و آهنگهای معروف او از جمله سمفونی هایس پس از مرگ او از گوشه و کنار خانه اش و از داخل انباری به دست آمده است.

2 - تشکیل حکومت مذهبی پروتستان در ژنیو :- به تاریخ 20 نومبر سال 1541 میلادی: "جان کالون" فرانسوی و یکی از دو موسس اصلی مذهب پروتستان در ژنیو یک حکومت مذهبی تشکیل داد تا پایگاهی برای پروتستانیسیم اروپا باشد، وی ضمن اعلام تشکیل چنین دولتی تاکید کرد که پروتستانهای فراری و آواره سراسر اروپا را در ژنیو پناه می دهد و به این ترتیب ژنیو در برابر، روم قرار گرفت که پایتخت پاپ ها بود، پاپ وقت "پل سوم" که از افزایش شمار پروتستانها به وحشت افتاده بود، پس از اطلاع از این اقدام یک شورای شش نفری مرکب از کاردینالهای ارشد تشکیل داد تا با پروتستان ها (پیروان کالون فرانسوی و لوتر المانی) مبارزه کنند و انی مبارزه از جولای سال 1542 میلادی آغاز شد، پاپ کاردینال "کارافانه" را هم فرمانده نظامیان تحت فرمان خود کرد و این کاردینال اخطار کرد هر کاتولیک که پروتستانها را تحمل کند و یا این که به حمایت از پروتستانیسیم بپردازد مجازات خواهد شد و این مجازات عبارت از مصادره اموال، تکفیر و احیاناً زندان خواهد بود و به این ترتیب خصومت دو فرقه مسیحیت آغاز شد که نتیجه اش جنگ های متعدد و در به دری های فراوان بود.

روز شمار بیستم ماه نومبر

=====

1 - در گذشت «تولستوی» نویسنده و اندیشمند روسیه :- به تاریخ 20 نومبر سال 1910 میلادی: "لئو نیکلایوویچ تولستوی" نویسنده شهیر و اندیشمند روسیه در 83 سالگی در گذشت، او در 28 اگست 1838 میلادی در یک خانواده ارباب ملک در منطقه تولی به دنیا آمده بود و در کودکی مادر و در نوجوانی پدر خود را از دست داده بود، وی به دلیل مخالف بودن با برنامه های تکراری و بعضاً بی ارتباط، دانشگاه را در سال سوم ناتمام رها کرد، تولستوی همه مراحل زندگی را طی کرد از جمله خدمت سربازی، تولستوی معتقد به "کمال" بود و می گفت فرد وقتی به کمال می رسد که (جیسم ، روحا و اخلاقاً) سالم باشد، وی این سه عامل را عوامل شادی بخش زندگی می دانست، تولستوی مخصوصاً بعد از میانسانی مخالف بهره برداری انسان از انسان شده بود که در روسیه بیش از نقاط دیگر رواج داشت، دوبار سرف های املاک خودش را آزاد کرد (روستاییانی که با املاک خرید و فروش می شدند و ضمیمه املاک بودند سرف نامیده می شدند) ولی آنان به دلیل ناباوری آنجا را ترک نکردند، در زمینه نوشتن داستان عقیده داشت که داستان باید به گونه ای نوشته شود که خواننده عشق به زندگی پیدا کند و عشق به زندگی یعنی عشق به خود و جامعه، به باور تولستوی نویسنده داستان باید آن را شخصاً دیده و تجربه کرده باشد و به عبارت دیگر نویسنده آن را باور داشته باشد، داستان "آنا کارنینا" تجربه عشق خودش به سونیا بود که بعداً باهم ازدواج کردند، تولستوی داستانها و نمایشنامه های متعدد نوشت از جمله : دوران بچگی، نوجوانی، جوانی ، آنکارینا، جنگ و صلح، کوبین جعلی، پدر سرگیوس، آقا و نوکر، قزاقها و ... نامه هشدار دهنده او به تزار نیکلای دوم که در سال 1901 میلادی نوشته و ارسال شده و در موزه نگهداری می شود سند بزرگی است که در آن اوضاع نابسامان روسها منعکس است، تولستوی در این نامه به تزار هشدار داده بود که اگر آزادی ندهد و دموکراسی برقرار نکند و از شکاف پهناور مان فقیر و غنی نکاهد و نظام فئودالی را تعدیل نکند جنگ داخلی اجتناب ناپذیر خواهد بود و روسیه نابود خواهد شد.

2 - در گذشت «اوون» مبتکر «سوسیالیسم تعاونی» :- به تاریخ 20 نومبر سال 1858 میلادی: «رابرت اوون Robert Owen» اسکاتلندی در 87 سالگی فوت شد، «اوون» مبتکر «سوسیالیسم تعاونی» است که افکار خود را در اسکاتلند و نیز در یک منطقه کشاورزی در امریکا به معرض تجربه گذاشت، اوون با این عقیده که جامعه باید عاری از فقر، جنایت و مرض باشد و مردم با شادی و خوشبختی و بدون ترس و هراس از آینده و در نهایت خوش بینی زندگی کنند تا یک الگو برای سراسر جهان شود و نخستین طرح را به نام «نیو لانارک New Lanark» به وجود آورد، اوون گفته است که بشر از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی های خود و با زندگانی برادروار می تواند به نیکبختی و پیشرفت دست یابد و باید بهترین تعلیم و تربیه و حفظ الصحه یکنواخت و مطلقاً رایگان برایش فراهم شود و وسایل تفریح و ورزش نیز عمومی و رایگان باشد.

اوون همچنین گفته است که «دانش و مهارت» بزرگترین ثروت فرد و جامعه است ؛ بنابراین وسیله کسب دانش و مهارت برای همه کسانی که خواهان و مستعد آن باشند باید فراهم و در دسترس همگان باشد، اداره جامعه باید حرف نداشته و خالی از هرگونه ضعف باشد و مردم به تحقیق بداندند که برای اداره جامعه چه کسانی را انتخاب کنند و این انتخاب باید علماً و عمداً باشد ، بنابراین باید دسترسی منصفانه به شناخت چنین افرادی وجود داشته باشد، وی معتقد نبود که دوره یک نماینده باید به اتمام برسد تا کنار برود، طبق آموزش های او ، اعضای جامعه باید بتوانند هر وقت که احساس کنند در انتخاب نماینده اشتباه کرده اند او را برکنار سازند، به عقیده او جبران اشتباه باید فوری باشد، به اشتباه نمی توان مهلت داد، اوون به جای بکار بردن واژه «سوسیالیسم»، از فرضیه خود به هماهنگی جهانی انسانها و جوامع بشری نام برده و داشتن زندگانی خوب و خوش بینی و امید را حق انسان خوانده و گفته است که پیشرفت صنعت و تکمیل ابزارها (تکنولوژی) بشر را آسوده تر و زحمتش را کمتر می کند، اوون این عقیده را اعلام داشت که کشاورزی و صنعت و سایر منابع تولید که محصول آنها مورد نیاز همگانی مردم است باید به صورت تعاونی اداره شوند و محصول آنها مستقیماً از تولید کننده به دست مصرف کننده برسد تا به سود هر دو طرف باشد و گفت که در این صورت است که افراد فی مابین (دلالتها) که بدون انجام کار مفید، از تولید کننده و مصرف کننده استفاده می برند جذب کار تولیدی می شوند و جامعه نیرومند و ثروتمند می گردد و طبقات اجتماعی به تدریج از میان می روند و یا تفاوت سطح این طبقات به حداقل می رسد و کینه و عقده (تنفر) که مسبب بسیاری از پرابلم ها و ناهنجاری هاست از میان مردم رخت بر می بندد.

اوون با فروش هرگونه زمین مخالف بود و زمین و منابع زیر زمینی و آنها را همانند هوا متعلق به همگان می دانست که باید در دست دولت به عنوان نماینده و مباشر جامعه باشد و این منابع ملی را از طریق اجاره برای بهره برداری واگذار کند و اگر اجاره دهنده در صدد بهره برداری برنیاید سند اجاره باطل خواهد بود، به این ترتیب فرد تنها مالک آن چیزی باید باشد که از زمین اجاره بدست می آورد، فرضیه " اوون " دولت ها را مکلف می کند که با وضع قوانین و اجرای دقیق آنها توزیع ثروت را میان مردم متعادل کنند تا جرائم و فساد به حداقل برسد و از کینه و ناراضی که عصبان نتیجه آن است اثری نباشد.

از اواخر قرن 19 و در طول قرن 20 تاسیس هرگونه شرکت تعاونی (تولید، مصرف و خدمات) و اموری از قبیل سهام کردن کارکنان در سود شرکتها و واگذاری موسسات به کارکنان آنها و فروش سهام شرکتها عمومی (به صورت محدود و مشروط، نه در بورس و به طور نامحدود) تقلید از افکار اوون است که وسیعاً هم مورد استفاده قرار گرفته بود، بسیاری از جامعه شناسان افکار اوون را عملی ترین راه سوسیالیستی کردن (محدود) جوامع می دانند که با روانشناسی، عادات و رسوم مردم هم درگیری نخواهد داشت، برخی از اسلام شناسان غرب، اندیشه های « اوون » را بیش از هر فرضیه پرداز اروپایی دیگر، نزدیک به تعالیم اسلامی می دانند که تاکید بر تعاون در امور و محدودیت مالکیت و نفی بهره بانگی و رد اجحاف، احتکار و کم فروشی (فرمول عرضه و تقاضا) دانسته اند.

3- فرار مغزها از روسیه :- به تاریخ 20 نوامبر سال 2004 میلادی: دمیتري ميلووانتسف معاون وزارت تکنولوژی و مخابرات روسیه گفته بود که: این دولت تصمیم گرفته است يك منطقه عاري از مالیات، برای شکوفایی نبوغ دانش آموختگان و اصحاب استعداد آن کشور در تکنولوژی پیشرفته (منطقه ای مشابه « سیلیکون ولی » آمریکا) تاسیس کند و هر گونه کمک به پیشرفت را در اختیار این افراد قرار دهد تا نبوغ و برنامه های خود را به منصفه ظهور برسانند، روسها 15 سال پس از آغاز مهاجرت کارشناسان و اتباع ماهر روسیه به ممالک دیگر در صدد کاستن از شتاب این مهاجرت و اصطلاحاً فرار مغزها برآمدند، و از دانش آموختگان علوم کامپیوتر شروع کرده اند، این بار روسها به جای گفتن سخنانی از جمله « با پول روسیه رشد و تحصیل کردید، و محصول و ثمره اش را دیگران و رقیبان روسیه ببرند »، از الگوی آمریکا استفاده کرده اند و سخنان دمیتري ميلووانتسف معاون وزارت تکنولوژی و مخابرات روسیه به همان مناسبت ایراد شده است، قابل یاد آور است که فرار مغزها از روسیه، پس از فروپاشی شوروی يك ضایعه بزرگ بود.

روز ششم بیست و یکم ماه نومبر

=====

1- تولد «ولتر»، نویسنده و طنز گوی اروپا:- به تاریخ 21 نوامبر سال 1694 میلادی: «ولتر» از بزرگترین فلاسفه، نویسندگان، طنز گویان و روشنگران اروپا دیده به جهان گشود، نام او «فرانسوا ماری آرووت» بود که اسم مستعار «ولتر» را برای خود انتخاب کرد و آثارش را به این نام نوشته است، در 23 سالگی به خاطر طنزی که نوشته بود یازده ماه از عمر خود را در زندان باستیل گذراند و در سال 1726م، به خاطر نوشتن طنزی دیگر به انگلستان تبعید شد و سه سال در آنجا بود، در سال 1734 میلادی دوباره او را از پاریس تبعید کردند، با وجود این در سال 1749 به دعوت فردریک فیصر پروس (آلمان) به آنجا رفت و معاش وی بود، ولتر سرانجام در سال 1759 میلادی در فرانسه در نزدیکی مرز سویس جایی را برای خود خرید و نامش را «فري» گذارد که مرکز تجمع روشنفکران اروپا شده بود، در 83 سالگی به پاریس باز گشت و چنان استقبال از او شد که از ذوق زدگی بیمار شد و چندی بعد در سال 1778 میلادی (آستانه انقلاب) در گذشت، 28 اثر مهم از ولتر به یادگار مانده است که دو اثر او «فرهنگ فلسفی» و «کاندید» معروفترند، ولتر بیش از هر کس دیگر از آزادی اندیشه و بیان و تحمل دیگران دفاع کرده است، ولتر می گوید که بدون آزادی اندیشه و بیان، انسان بدون روح و روان خواهد بود و همچنان زندگانی اش جسمانی (مانند سایر جانداران) خواهد بود، ولتر بیش از هر نویسنده ای دیگر بر ضد، زور گویی و استبداد نوشته است، وی ضد رومانیتسیسم و حامی حقیقی نویسی بود، ولتر ثابت کرده است که جنایات بزرگ نتیجه خود خواهی و جاه طلبی افراد است و این جنایات قابل مقایسه با خلفای آندهای کوچک نیست، کوچکها تنها برابری و آزادی را می جویند و بزرگها همه چیز را می خواهند و اگر همه دنیا را هم به ایشان بدهند باز هم می خواهند، ولتر در باره نظامهای سلطنتی و جمهوری می گوید: خوبی نظام به رئیس آن بستگی دارد نه به نوع آن، نظامهای جمهوری اگر رئیس و مسئول خوب نداشته باشند از نظامهای سلطنتی بدترند، هر نظام جمهوری لزوماً يك دموکراسی و یا عاری از ظلم نیست، به نظر ولتر میزان دموکراسی يك کشور متناسب است با رشد سیاسی مردم و آگاهی آنان از دموکراسی و دلسوزیشان برای رعایت آن، دموکراسی در کشور های کوچک، ایالت و شهر موفق تر است این جمله ازوست: وای به روزی که نظام قضایی يك کشور ضعیف و نفوذ پذیر باشد و یا تضعیف شود و

2- پر فروش ترین روزنامه جهان:- به تاریخ 21 نوامبر سال 1886 میلادی: تیراژ (تعداد نسخه های فروش رفته يك نشریه) روزنامه «لو پتیت ژورنال» چاپ پاریس از مرز يك میلیون گذشت که تا آن زمان در جهان بی سابقه بود، 114 سال بعد یعنی در سال 2000 جهان دارای يك هزار و 71 روزنامه (یومیه) میلیون تیراژی بود، تیراژها پس از سال 2000 در سرازیری قرار گرفته و با افزایش آن متوقف شده است ناشران روزنامه ها می گویند که مطالب و محتوا افت نکرده بلکه این مخاطبان هستند که به دلیل ارتقاء سطح معلومات عمومی که خصیصه عصر حاضر است به آسانی قانع نمی شوند و برای ارضاء آنان، روش خبرگیری و خبرنگاری بر پایه نظرسنجی از «خوانندگان» دایماً رو به تکامل است و از منابع تازه استفاده می شود و اضافه می کنند که مخاطبان امروز با شنیدن کوچکتری شایعه که يك روزنامه متمایل به دولت است، از آن صرف نظر می کنند و به سراغ رسانه های اینترنتی و «وب لاگها» می روند که بدون ملاحظات هرچه را که می خواهند می نویسند ولی روزنامه های عادی دست کم ناچارند در نوشته هایشان راه گریز از «اعتراض و دادخواست» را باز بگذارند، زیرا که نمی خواهند سرمایه خود را که عمدتاً از راه توزیع سهام عاید شده است از دست بدهند، ولی وب لاگها نه دارای سرمایه هستند و نه تعقیب قضایی می شوند، و این پدیده ای تازه در جهان است که از نیمه دهه 1990 میلادی وارد صحنه شده است - پدیده ای که برای نخستین بار باعث آزادی تمام عیار بیان و ابراز عقیده و نظر شده است، با ظهور این پدیده، رسانه های متعارفی نه تنها با خود، بلکه با این پدیده تازه (رسانه های اینترنتی) وارد رقابت شده اند که ممکن است؛ نتیجه اش بهبود کیفیت مطالب رسانه ها و به کمترین حد رسیدن انواع سانسور و اعمال نظر در آنها و از این رهگذر افزایش آگاهی های مردم باشد.

3- درگذشت کاشف "نطفه" :- به تاریخ 21 نوامبر 2003 میلادی: اعلام شد که پروفیسور بیولوژیست "آرتور کالوین" کاشف مراحل پیچیده تشکیل نطفه در 92 سالگی درگذشته است، وی که در سال 1942 به آمریکا مهاجرت کرده بود در دهه 1950 میلادی در آزمایشگاه کویز کالج موفق به این کشف شده بود، پروفیسور کالوین کشف کرده بود که برای تشکیل نطفه، نخست سلول "اسپریم" با سلول تخمک از ناحیه غشاء پوسته خارجی (به هم ملحق می شوند، سپس هسته سلول اسپریم (نر) و سیتوپلاسم سلول ماده به سوی هم می روند و تشکیل نطفه می دهند، آنگاه بقیه سلول اسپریم از مجموعه جدا می شود و پروفیسور کالوین در دهه 1960 میلادی با میکروسکوپ الکترونیکی از این مراحل عکسبرداری کرد، اواخر دهه 1970 میلادی با استفاده از همین اطلاعات، تشکیل نطفه در لوله آزمایش عملی شد و به تدریج تکامل یافت.

روز ششم بیست و دوم ماه نومبر

=====

1- استقلال کشور لبنان :- به تاریخ 22 نوامبر سال 1943 میلادی: در جریان جنگ جهانی دوم کشور لبنان به استقلال رسید، لبنان بعد از خروج از تسلط عثمانی بنابر تصمیم جامعه ملی تحت سرپرستی فرانسه قرار گرفت، اما سرانجام فرانسه در سال 1943 میلادی استقلال لبنان را برسمیت شناخت، قابل توجه است که در زمان نفوذ فرانسوی ها در لبنان، فاصله طبقاتی میان مسیحیان ثروتمند و عربهای مسلمان بسیار زیاد شده بود، لبنان در خاورمیانه واقع و با سوریه و اسرائیل مرز مشترک دارد.

2 - اختراع گرامافون :- به تاریخ 22 نومبر سال 1877 میلادی: توماس ادیسون مخترع برق گرامافون را اختراع کرد، گرامافون ادیسون از یک استوانه با پوشش نازکی از قلع ساخته شده بود که با کمک دست به چرخش درمی آمد، به هنگام صحبت در لوله استوانه ای شکل عملیاتی در آن صورت می گرفت و در نتیجه ارتعاشهای مکانیکی صدا ضبط می شد، ادیسون برای اختراع گرامافون 7 سال آزمایش و تحقیق کرد.

3 - قتل جان اف کندی رئیس جمهوری امریکا:- بتاريخ 22 نومبر سال 1963 میلادی: جان اف کندی سی و پنجمین رئیس جمهوری امریکا در یک هزار و سی امین روز زمامداری خود در اثنای عبور با موتر رو باز از جاده شهر پر جمعیت دالاس در ایالت تکزاس امریکا از داخل ساختمان یک مدرسه هدف گلوله قرار گرفت و ترور شد، شخصی بنام « لی هاروی اسوالد » متهم به قتل وی نیز پس از دستگیری به دست دیگری به قتل رسید، لیندن جانسون معاون او همان روز سوگند یاد کرد و رئیس جمهوری امریکا شد، هنوز انگیزه این قتل دقیقاً روشن نشده است، کندی نخستین کاتولیک ایرلندی تبار بود که به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شده بود، قبلاً سران این کشور از پروتستانهای انگلیسی تبار بودند، وی که از حزب دمکرات بود قبلاً نماینده مجلس و سناتور بود و در زمان خود جوانترین رئیس جمهوری امریکا نیز به شمار می رفت، با این که در تاریخ عمومی (جهان) آغازگر جنگ ویتنام و ضدیت با حکومت فیدل کاسترو اعلام شده است، اما از نظر اندیشه و سیاست داخلی فردی مترقی ولیبرال (در فرهنگ آمریکایی: چپ) خوانده می شود، وی در گفتارش، از برقراری یک صلح پایدار و خلع سلاح واقعی و رعایت تمام عیار حقوق بشر جانبداری می کرد و آماده یک سازش بزرگ واقعی و همه جانبه با شوروی بود که انجام آن را طبق برخی نوشته ها به دوره دوم ریاست جمهوری خود موکول کرده بود، در زمینه سیاست داخلی تا توانست با فقر و ناامیدی در جامعه امریکا مبارزه کرد، این جمله پر معنا از او باقی مانده است: همه اش نگویند که دولت برای ما چه کرده، گاهی هم از خود بپرسید که خودتان برای کشور چه کرده اید؟

روز شمار بیست و سوم ماه نومبر

1 - پرگماتیسم :- به تاریخ 23 نومبر سال 1909 میلادی: « پرگماتیسم Pragmatism » به عنوان یک فلسفه آمریکایی وارد دایره المعارف فلسفه شد، صاحب اصلی این فلسفه چارلز پیرس دانشمند و فیلسوف آمریکایی (1839 - 1914) است و دو فیلسوف دیگر آمریکایی ویلیام جیمز و « جان دیوی » نیز همین عقیده را داشتند، نامیدن آن به فلسفه « اصلت نتیجه » روشن ترین تعبیر است و کسی را که اعمال و افکار او با این فلسفه مطابقت دارد و یا این که پیرو آن است « نتیجه گرا » می خوانند، پرگماتیستها برخلاف سایر روشهای فلسفی از تحقیق و بررسی در کل عمل اجتناب می ورزند و به جای آن به آزمایش نتایج می پردازند یعنی پس از عملی شدن فکر، نتایج به دست آمده را می سنجند، به نظر آنان « نتیجه » اصل است نه اصول لایتغیر و رفتن از راههای انعطاف ناپذیر معین برای رسیدن به «نتیجه»؛ و به این ترتیب مفید به لایتغیر بودن اصول نیستند، پرگماتیستها نظرات و عقایدی را می پذیرند که عملی باشند، از نظر آنان یک عقیده باید نخست تجربه شود و اگر نتایج تجربه مفید و قانع کننده بود به صورت نظام در آید و بر آن ضابطه اجرایی نوشته شود و عملی گردد، به عبارت دیگر فرضیه ای بمانند مارکسیسم باید نخست در گوشه ای تجربه می شد و باتوجه به نتایج حاصله و اعمال تغییرات و اصلاحات لازم در سطح وسیع به اجرا در می آمد، بسیار دیده شده است روزنامه نگاران آمریکایی که با این فلسفه و تعریف واژه « پرگماتیسم » کاملاً آشنا هستند آن را در خیرها و مقالات خود به مفهوم درست بکار می برند که در کشورهای دیگر که با این فلسفه آشنایی ندارند آن را « واقع گرا » ترجمه می کنند که دقیق نیست.

2 - نخستین موشک با سوخت مایع :- به تاریخ 23 نومبر سال 1933 میلادی: برخلاف تصور عمومی نخستین موشک (دستگاه جهنده فضائی) که با سوخت مایع حرکت می کرد به دست دانشمندان شوروی ساخته و آزمایش شد؛ درست ده سال پیش از این که آلمان ها موشک بسازند، در شوروی آن زمان که از انقلاب بلشویکی 1917 میلادی فاصله ای زیاد نگرفته بود، به کسانی که اختراع و اکتشاف می کردند و از خود خلاقیت نشان می دادند و یا این که بازه بیشتری داشتند و نسبت به همنوع خود فداکاری نشان می دادند عنوان « قهرمان سوسیالیست »، « قهرمان خلق » و مدال مربوط داده می شد که در یک جامعه سوسیالیستی کلید بسیاری از پیشرفتهاست به تدریج به صورت تشریفات و غیر واقعی (پارتی بازی 1970 میلادی این تشویق هم که در یک جامعه سوسیالیستی کلید بسیاری از پیشرفتهاست به تدریج به صورت تشریفات و غیر واقعی (پارتی بازی و تحت تاثیر توصیه) در آمد و اهمیت خود را از دست داد، در جوامع غیر سوسیالیستی، عمدتاً « پول » مشوق خلاقیت است.

3- ناسیونالیست ها برنده انتخابات کرواسی شدند:- به تاریخ 23 نومبر 2003 میلادی: به رغم همه تلاشها و کمکهای اتحادیه اروپا و وعده هایی که به رای دهندگان کروات داده بود، نتایج انتخابات پارلمانی این کشور که برگزار شد نشان داد که ناسیونالیست ها (حزب اتحادیه دمکراتیک) به رهبری " ایوو سانادر Ivo Sanader " برنده شده است، این حزب از زمان استقلال کامل کرواسی تا سه سال پیش زمام امور این کشور را به دست داشت که بر اثر تبلیغات و فشار اتحادیه اروپا و دادن وعده عضویت کرواسی در آن اتحادیه، اکثریت خود در پارلمان را از دست داده بود، وضعیتی که پس از برچیده شدن بلوک شرق و شوروی بر جهان مستولی شده است مایل به روی کار آمدن ناسیونالیست ها و یا چپ گرایان نیست که دسته اول از حاکمیت و فرهنگ ملی دفاع می کند و دسته دوم با کاپیتالیسم و استثمار سازگار نیست، ولی در انتخابات سال 2003 میلادی در گوشه و کنار جهان همین دو دسته برنده شده اند.

روز شمار بیست و چهارم ماه نومبر

1 - استقلال کشور چیلی:- بتاريخ 24 نومبر سال 1818 میلادی: کشور چیلی (شیلی) با اعلام استقلال خود به دوران سیصد ساله سلطه اسپانیا بر این سرزمین خاتمه داد، بعد از جنگ جهانی دوم نیروهای استقلال طلب چیلی مبارزه خود را شدت بخشیدند و سرانجام به رهبری «خوزه سال مارینو» به پیروزی و استقلال رسید، گفتنی است سالها بعد از این پیروزی در سال 1970 میلادی «سالوادور آلنده» از مبارزان چیلی و رهبر حزب جبهه وحدت خلق با برگزاری انتخابات به ریاست چیلی برگزیده شد و چون اقدامات اصلاحاتی « آلنده» از جمله ملی کردن دارایی های خارجی؛ دولت امریکا را ناراحت کرد؛ جبهه ضدانقلاب چیلی به دست امریکایی ها در چیلی فعال شد و عاقبت موجب سقوط آلنده شد.

2 - کشف الکتریسیته القایی:- بتاريخ 24 نومبر سال 1831 میلادی: مایکل فارادی فیزیکدان انگلیسی موفق به کشف الکتریسیته القایی شد، فارادی با این کشف انقلابی در فیزیک و مبحث الکتریسیته برپا کرد، او در جوانی شاگرد صحاف بود اما بعدها یکی از دانشمندان پرآوازه جهان شد و امروز یکی از قوانین مهم فیزیک به نام فارادی ثبت شده است، فارادی از جمله نخستین کسانی بود که توانست بسیاری از گازها از جمله کربن به مایع تبدیل کند.

3 - قطعنامه ملل متحد درباره فلسطین:- به تاریخ 24 نومبر سال 1967 میلادی: قطعنامه معروف سازمان ملل متحد درباره مسئله فلسطین صادر شد، قطع نامه 242؛ نماینده ویژه منشی عمومی سازمان ملل متحد را مأمور مذاکره با فلسطینی ها و اسرائیلی ها می کرد، محورهای این قطعنامه عقب نشینی نیروهای صهیونیستی از کلیه سرزمینهای اشغال شده در جنگ شش روزه جون سال 1967 میلادی؛ قطع هر گونه عملیات جنگی و به رسمیت شناختن حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دول منطقه؛ تضمین آزادی کشتیرانی در آبهای بین المللی منطقه یعنی خلیج عقبه و کانال سوئز و سرانجام حل عادلانه مسئله آوارگان فلسطینی را شامل می شد، اما به هنگام اجرای مفاد قطع نامه 242 فقط مواردی که به نفع دولت صهیونیستی بود جامه عمل بخود پوشید.

روز شمار بیست و پنجم ماه نومبر

1 - توفان نوح :- به تاریخ 25 سال 2348 پیش از میلاد: به روایت روزنگار (تقویم تاریخ) اسقف جیمز اش USSher، توفان نوح (The Great Deluge) آغاز شد، طبق این روزنگار، نوح که از پیش وقوع این توفان به وی الهام شده بود، یک کشتی ساخت و گروهی از مردم و موجودات دیگر را در آن قرار داد که نجات یابند و نسلشان منقرض نشود، بعضی را نظر بر این است که بقایایی که در کوههای آراتات کشف

شده و هنوز باقی است متعلق به همان کشتی نوح است که پس از رفع توفان در آنجا بر زمین نشسته است، به نوشته اسقف آشر، از سه پسر نوح «سام Shem، حام و یافث (یافث) Japheth» بعدا سه گروه جمعیت به وجود آمدند که اعراب و یهودیان از نسل سام هستند، دیگران که در این زمینه مطالعه کرده اند وقوع توفان نوح را در اواخر ماه نومبر، ولی هزاران سال پیش از زمانی که اسقف آشر به دست داده رقم زده اند.

2 - زاد روز فارابی :- بتاریخ 25 نومبر سال 870 میلادی (259 خورشیدی) نتیجه تحقیقات پروفیسور دیویدسون، ابو نصر فارابی بنیادگذار دمکراسی اسلامی در شهرک فاراب ماوراءالنهر در خراسان بزرگتر به دنیا آمد، در آن زمان هنوز مهاجران ترک در مرو و بخارا مستقر نشده بودند و عبور آنان از سیر دریا (سیحون) و ورودشان در مقیاسی کم به ماور النهر شروع شده بود، از فارابی 117 کتاب و رساله از جمله کتاب معروف «مدینه فاضله» باقی مانده است، وی بر همه دانش عصر خود به ویژه ریاضیات، فلسفه، ادبیات و چند زبان خارجی مسلط بود، مورخان اروپایی وی را از طبقه فلاسفه «نئو پلاتونیست» یا افلاطونیان (افلاتونیان نوین) می دانند که تحصیلات خود را در بخارا، کانون فرهنگ و ادبیات فارسی آغاز کرد و به تکمیل آن در بغداد، حلب و دمشق پرداخت، در زمینه دمکراسی، وی مانند افلاطون (افلاتون) و ارسطو نگران سوء استفاده از انتخابات در یک حکومت مردمی بود، در نظر فارابی بهترین زمامدار باید فکر و عمل (دانا و توانا)، قادر به ترغیب و رهبری دیگران، دارای توان فراوان در تفکر و قوای دماغی و خرد کامل و به حدکافی نیرومند باشد که بتواند در لحظه لازم فرمان دهد، از شرایط دیگر زمامدار آگاهی کامل بر قوانین و اصول است به گونه ای که باید به مثابه یک دائرةالمعارف متحرک باشد و شرایط عدل و داد و قدرت اعمال خردمندانه آن در او جمع باشد، فارابی گوید که : اگر چنین فردی با این شرایط ویژه یافت نشود، تا زمان پیدایش او، حکومت باید به شورایی مرکب از افرادی سپرده شود که مجموع آنان این کیفیت را داشته باشند. با این بیان، فارابی با نامزد شدن هرکس برای زمامداری مخالف است ؛ مگر این که شرایط لازم را داشته باشد، فارابی یافتن چنین فردی را برعهده بزرگان، آگاهان و دلسوزان جامعه گذارده است، به این ترتیب این مردم اند که باید بروند و بگردند و برای خود زمامدار واجد شرایط لازم بیابند و انتخاب کنند، نه این که همانند دمکراسی های فعلی افراد بروند و از مردم بخواهند که به آنها رای بدهند و زمامدار شوند، به تفسیر اصحاب نظر فارابی انتخابات دو مرحله ای را پیشنهاد کرده است و انتخابات مستقیم را نپذیرفته است، به نظر فارابی، یک جامعه با انتخاب زمامدار خوب برای تمشیت امور، رفاه و پیشرفت و سعادت خود را تضمین خواهد کرد، فارابی زیاد وارد بحث مجالس قانونگذاری نشده است و قرآن را قانون اساسی اسلام (ام القوانین) خوانده است، طبق تفسیرهایی که بر این نظر فارابی شده است بنظر می رسد که وی برای جوامع اسلامی، تعالیم قرآن را قوانینی کافی تشخیص داده است، فارابی که بر زبانهای یونانی و عربی مسلط بود آثار فلاسفه یونان قدیم را ترجمه کرده است، از میان آثار فارابی 43 اثر زمینه فلسفه و منطق دارد، هفت اثر در باره اخلاق، هفت اثر در زمینه علوم سیاسی، یک کتاب در باره موسیقی و مابقی در زمینه های مختلف از جمله ریاضی و نجوم است، فارابی سفر بسیار کرد و در 80 سالگی بسال 950 میلادی (339 هجری) در دمشق در گذشت، وی از دواج نکرده بود.

روز شمار بیست و ششم ماه نومبر

=====

1 - عقاید «رنه دکارت» در مورد فرمول «جامعه» :- به تاریخ 26 نومبر سال 1637 میلادی: کتاب «Discours de la Methode» «رنه دکارت» مهمترین اثر فیلسوف و ریاضی دان فرانسوی (متولد 31 مارچ سال 1596 و متوفا در 11 فروری 1650 میلادی) انتشار یافت، این روش تازه «یافتن حقیقت» را به دست می دهد، در همین کتاب است که وی می گوید : تا فکر می کنم (می توانم فکر کنم) زنده هستم، و یک زنده باید به جامعه فایده برساند، عقاید و نظریه های دکارت که از مهمترین فلاسفه اروپا قرون جدید بشمار می رود بیش از هر اندیشمند دیگر در دوران معاصر مورد استفاده بوده است، تعریف او از جامعه که به صورت یک فرمول ریاضی عرضه شده همیشگی و جاویدان خواهد بود و هر روز به آن استناد و بر پایه اش قانون نوشته می شود، «دکارت» نخستین اندیشمندی بود که روش ارسطو را دنبال نکرد و برای تحقیق و اثبات، یک روش علمی دیگری را در پیش گرفت که به انقلاب در فلسفه تعبیر شده است، وی رابطه فلسفه با الهیات را تغییر داد، «دکارت» را پدر فلسفه جدید خوانده اند، وی دانش را قطعه به قطعه بر پایه اصول ریاضی نوسازی کرد و گفت چیزی را باید پذیرفت که غیر قابل تردید باشد مثلاً؛ به این که وجود داریم نمی شود تردید کرد، «دکارت» در تعریف «جامعه» یک فرمول همیشگی و بسیار مهم را به دست داده است که در مدارس سراسر جهان تدریس می شود و کسی که مفهوم آن را نداند در زندگانی خانوادگی و عمومی موفق نخواهد بود؛ زیرا که کوچکترین جامعه یا جامعه پایه «خانواده» و بزرگترین آن جامعه جهانی «جامعه بشر» است، اگر در فرمول جامعه که «دکارت» آن را به دست داده است تغییری حاصل شود معادله برهم خواهد خورد و دیگر جامعه ای وجود نخواهد داشت، این فرمول بسیار مهم از این قرار است : جمع دو نفر یا بیشتر + هدف مشترک + کمک به هم برای رسیدن به هدف مشترک = جامعه مثال : زن و مرد + با هدف مشترک که همانا رفع نیاز و تامین سعادت است + همدلی و همیاری برای رسیدن به هدف مشترک = خانواده و به همین ترتیب سایر جوامع، از جمله تحریریه یک روزنامه، همه آنان که در یک مدرسه هستند، یک شهر و یک کشور و.... حال اگر در فرمول یکی از جوامع یک عنصر تغییر یابد معادله به هم می خورد و جامعه تبدیل به اجتماع (جمع شدن چند نفر) می شود و دیگر جامعه ای وجود نخواهد داشت، مثلاً اگر زن و شوهر همیار و همدل نباشند، جامعه خانواده وجود نخواهد داشت، فلسفه طلاق همین است .

2 - در گذشت «هنریچ هرتز» فیزیکدان المانی :- به تاریخ 26 نومبر سال 1894 میلادی: «هنریچ هرتز» فیزیکدان و ریاضیدان المانی در 37 سالگی درگذشت، هرتز از نوجوانی به فیزیک و مکانیک علاقمند بود و تحصیلاتش را در همین رشته ادامه داد، هرتز با کشف اشعه الکتروسیسته پایه گذار اختراعات و اکتشافات بسیار ارزنده در زمینه فیزیک و ریاضی شد، امواجی که امروزه به نام «امواج هرتز» از آنها یاد می شود توسط خود او کشف شده اند.

3 - اوکراین و معارضه شرق و غرب :- به تاریخ 25 و 26 نومبر 2004 میلادی : اصحاب نظر در این دو روز بر سر انتخابات که جهانیان با چشم بازتر آن را زیر نظر داشتند و گفته بودند: نتیجه این معارضه ، هرچه که باشد، جو سیاسی جهان به وضعیت پیش از این انتخابات باز نخواهد گشت و بدبینی ایجاد شده در برخی از ملل به ویژه روسیه از میان نخواهد رفت، جنگ عراق به یک طریق این بدبینی را عیان ساخت، و معارضه بر سر انتخابات اوکراین به صورتی دیگر چهره از آن برگرفت و علنی تر شد، و ملل خارج از این گود زور آزمایی متوجه شدند که با یک اروپای غربی از قماش اروپای قرن 19 و دهه اول قرن 20 رو به رو هستند و باید خود را آماده مقابله با چنین وضعیت و سیاستی کنند، مهمترین تحول 25 و 26 نومبر مسئله اوکراین؛ اظهارات «کولن پاول» وزیر امور خارجه مستعفی امریکا که منتظر تأیید انتصاب جانشینش در سنای این کشور است تا کنار رود و نیز ورود دو رئیس جمهوری عضو ناتو و اتحادیه اروپا و سولانا رئیس دیپلماسی این اتحادیه اروپایی به « بی اف » - ظاهراً تحت عنوان میانجی گری بود که به نظر می رسد نتیجه بخش نبوده است، پاول گفته بود که دولت امریکا نتایج انتخابات ریاست جمهوری اوکراین را به رسمیت نمی شناسد و اگر مسئله حل نشود، دولت امریکا دولت «یانوکوویچ» را نماینده مشروع اوکراینی ها نخواهد دانست، جورج بوش و سران اروپای غربی هم با لحنی مشابه همین حرف را زده بودند که در جهان تازگی دارد، انتخاب یانوکوویچ با 49 درصد و 46 صدم درصد آراء دور دوم به تأیید کمیسیون انتخابات اوکراین و رئیس جمهوری فعلی این کشور رسیده است و دادگاه عالی قضات «اوکراین» قرار شد تا دوشنبه 29 نومبر به شکایت بازنده انتخابات که مدعی تقلب شده و درخواست تجدید انتخابات را کرده است رسیدگی کند، به همان گونه که دادگاه عالی قضات امریکا در سال 2000 کرد، سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در مسکو در آخرین واکنش خود به مداخله غرب در مسئله انتخابات اوکراین که روسیه تاکنون در درستی آن تردید نکرده و پیروزی یانوکوویچ را هم تیریک گفته است با اشاره به اعزام سه میانجی از سوی اتحادیه اروپا به اوکراین گفت: ما (مسکو) نگران مداخله غرب به نام میانجی هستیم و اضافه کرد که در برخی پایتخت های اروپایی نیروهایی هستند که اصرار به کشیدن مرز در اروپا دارند و ولی بعدا یک سخنگوی دولتی روسیه با لحنی نرمتر اظهار امیدواری به حل مسئله از طرق مسالمت آمیز کرد؛ در اوکراین نیز به سبک گرجستان سال گذشته، که قبلاً در کشور دیگری

مشاهده نشده بود، گروهی که خود را هوادار نامزد بازنده معرفی می کنند در دو روز مورد بحث (25 و 26 نوامبر) ادارات دولتی را محاصره کرده و مانع ورود کارمندان به ادارات و نیز پارلمان شدند و پلیس دست کم در «کی اف»، در برابر این کار آنان دست به اقدام نزده بود! ولی شنیده شده است روس زبانهای "اوکراین" که در نواحی شرقی و منطقه تروتمند «دونتسک Donetsk» زندگی می کنند آماده حرکت به سوی «کی اف» و برخورد با هواداران نامزد بازنده شده و تهدید کرده اند که ممکن است با انجام رفراندوم این قسمت را ضمیمه روسیه سازند، نامزد بازنده (هوادار غرب) 26 نوامبر همچنان بر این توصیه به هواداران خود که به نافرمانی ادامه دهند پا برجا بود، وی اصرار داشت که 12 دسامبر انتخابات تجدید شود، برخی از تحلیلگران مسائل شرق (اروپای شرقی) و کارشناسان جنگ سرد 1945 - 1991 میلادی کشمکش بر سر "اوکراین" را ادامه همان جنگ سرد می بینند که در نوامبر 1991 میلادی ختم آن اعلام شده بود! و گفته اند طرفی که در کشمکش جاری عقب نشینی کند، بازنده معارضه خواهد بود و این عقب نشینی به همین جا ختم نخواهد شد و برنده نبرد آن را تا نقطه ای که بخواهد تعقیب خواهد کرد و عقب خواهد زد و به احتمال زیاد پایان کار بازنده و حذف آن از بازی خواهد بود.

روز شمار بیست و هفتم ماه نوامبر

=====

1 - تولد مومزون مورخ و محقق المانی:- به تاریخ 27 نوامبر سال 1817 میلادی: تنودور مومزون مورخ و محقق المانی بدینا آمد، مومزون دریایان تحصیل به مطالعه کتبی و آثار بجای مانده از تمدنهای کهن پرداخت، معروفترین اثر مومزون «تاریخ مفصل روم قدیم» نام دارد که از کاملترین تواریخ درباره روم است، این مورخ المانی جایزه ادبی نوبل را در سال 1902 میلادی به خود اختصاص داد و یکسال بعد از آن در 86 سالگی درگذشت، مومزون در صحنه سیاست هم فعالیت چشمگیر داشت و از مخالفان سرسخت بیسمارک صدراعظم وقت المان بود.

2 - تولد «چارلز برد» مورخ:- به تاریخ 27 نوامبر سال 1874 میلادی: زادروز «چارلز برد» از بزرگترین مورخان قرن بیستم است و در 74 سالگی در 1948 میلادی پس از تألیف هفتاد کتاب درگذشت، بزرگترین کار او تألیف کتاب چهار جلدی «پیدایش تمدن آمریکایی» است، همسر او «ماری» نیز یک تاریخدان بود که در کار تحقیقات و تألیفات، به شوهرش کمک می کرد، جنجالی ترین کتاب «چارلز برد» که در سال 1913 میلادی انتشار یافت تفسیر اقتصادی قانون اساسی آمریکا است، «برد» در این کتاب استدلال کرده است که تهیه کنندگان این قانون در هر کلمه و جمله که می نوشتند منافع اقتصادی خود را در نظر می گرفتند و به تنها کسانی که فکر نمی کردند مردم بودند، وی در تألیف دیگرش از آمریکائیان خواسته است که درستی تاریخ کشورشان را امتحان کنند، زیرا که ممکن است همه حقایق به آنان گفته نشده باشد، چارلز برد استاد پوهنتون (دانشگاه) کلمبیا، برخلاف مارکس که «اقتصاد» را ریشه هر تحول تاریخی می دانست، هر شکل گیری تاریخ را به حساب عقاید و ایده ها گذارد و نوشت که عقاید تازه در هر برهه و زمان باعث تحولات اقتصادی و اجتماعی شده و صفحه تازه ای بر تاریخ اضافه کرده و شکل و جهت آن را تغییر داده اند، «برد» که مخالف ورود آمریکا به جنگ جهانی اول بود، پس از آنکه دولت، به سرکوبی مخالفان جنگ در دانشگاه کلمبیا پرداخت، از استادی آن دانشگاه کناره گیری کرد، وی طرفدار انزوای آمریکا و عدم مداخله آن در اوضاع سیاسی جهان بود که نتیجه آن را یک «آلودگی» می دانست، وی به همین جهت با ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم هم مخالفت کرد و بعداً در کتابی ثابت کرد که سیاست خارجی آمریکا باعث حمله جاپان به پرل هار بور شد، «برد» روش تازه ای برای مطالعه و بررسی تاریخ به دست داده است که در «تاریخ نگاری» تدریس می شود «برد» در یک کتاب خود مسائل آمریکا، و تقسیم جهان به دو طبقه دارا و ندار را در پایان قرن بیستم پیش بینی کرده بود که به تحقق پیوسته و بر اهمیت او افزوده و درجه فضل او را منعکس کرده است، وی در همین کتاب به همه کسانی که مقام و منزلت دارند توصیه کرده است که تاریخ را مرور کنند تا اشتباهات تکرار نشوند.

3 - نخستین جلسات شعر خوانی در جهان:- به تاریخ 27 نوامبر سال هشتم پیش از میلاد: هوراس Horace شاعر، طنزپرداز و مورخ رومی درگذشت که شانزده قرن بعد، در دوران رنسانس (تجدید حیات علم، ادب و هنر)، لقب شاعر ملی و پدر شعر ایتالیا (روم) به او داده شد، چند ماه پس از مرگ هوراس، شاعر دیگر روم، «مانه چناس» نیز فوت شد، ماله چناس، نخستین کانون شعر و شعرا را در خانه خود در شهر روم ایجاد کرده بود که هوراس و چند شاعر دیگر در آنجا جمع می شدند و اشعار خود را برای یکدیگر می خواندند، ورود به این جلسات برای همگان آزاد بود و می توانستند در بحث و مذاکرات هم شرکت کنند، از کارهای جالب هوراس، پیشنهاد او به سناي روم است که عنوان امپراتور (قتسول اول) را به پدر ملت، تبدیل کند که دلپذیر است؛ سنا نتوانست آرای کافی برای تصویب این پیشنهاد به دست آورد.

روز شمار بیست و هشتم ماه نوامبر

=====

1 - اولین پرواز طیاره از روی قطب :- به تاریخ 28 نوامبر سال 1929 میلادی: برای اولین بار در تاریخ هوانوردی و اکتشافات هوایی یک طیاره از قطب جنوب پرواز کرد و به این ترتیب پرواز طیاره از روی قطب آغاز شد، در این روز مهم تاریخی «ریچارد بیرد» قطب شناس بزرگ آمریکایی با طیاره به این اکتشاف بزرگ اقدام کرد، او در روزهای 28 و 29 نوامبر دوبار از روی قطب جنوب گذشت.

2 - درگذشت فلیکس فیزیکدان فرانسوی :- به تاریخ 28 نوامبر سال 1841 میلادی: فلیکس ساوارت طبیب، مخترع و فیزیکدان فرانسوی در 50 سالگی درگذشت، از مهمترین اختراعات او «چرخ دندان دار و ضدیخ» را می توان نام برد.

3 - تولد فریدریش انگلس :- به تاریخ 18 نوامبر سال 1820 میلادی: فریدریش انگلس Friedrich Engels فیلسوف (* همفکر و دستیار معروف کارل مارکس و سوسیالیست المانی به سال 1820 متولد شد، وی با کارل مارکس در تدوین نخستین مانیفست کمونیسم همکاری نمود، در سال 1848 در تظاهرات انقلابی بادن شرکت کرد و در سال 1850 به انگلستان رفت و تا سال 1869 به عنوان مسئول کارخانه در منچستر کار کرد و بعد از سال 1870 مقیم لندن شد و با تبلیغ مرام سوسیالیستی عملاً با کارل مارکس همکاری نمود و سپس به انتشار کتب مارکس دست زد، او در سال 1895 درگذشت، کتاب معروف انگلس Die Lage der Arbeitenden in England است که در سال 1845 به تحریر درآمده است.

{* فیلسوف یا (خرد ورز) به شخصی می گویند که به آموختن و اندیشه در مسائل فلسفی و اندیشه ورزانه می پردازد، واژه فیلسوف که از یونانی آمده به معنی دوستدار خرد است}

4 - طیاره ایرانی هدف گلوله قرار گرفت :- به تاریخ 18 نوامبر سال 1976 میلادی: اعلام شد که یک طیاره نظامی ایران در جریان جنگ ظفار در بیست و هفتم نوامبر هدف گلوله استقلال طلبان ظفاری از داخل خاک یمن قرار گرفته و سرنگون شده است متعاقب این رویداد، دولت یمن جنوبی ایران را متهم به تجاوز به آسمان آن کشور کرد.

روز شمار بیست و نهم ماه نوامبر

=====

1 - سه، دستگی و کودتا در سوریه:- به تاریخ 29 نوامبر سال 1951 میلادی: مرد نظامی بنام، شیشکلی shishekly در سوریه کودتا کرد و حکومت را به دست گرفت، سوریه از سال 1949 میلادی به مدت دو دهه گرفتار کودتاهای نظامی بود که نتیجه تشدید اختلافهای سه گروه (چپ، راست و ناسیونالیست) این کشور بود، چپها خواهان ایجاد نظام شورایی (Soviet) شبیه شوروی بودند که در آن ابزار تولید در دست دولت باشد تا مردم از رفاه برابر برخوردار باشند و متساویاً از ثروت و وطنشان استفاده کننده و در این راستا روابط بسیار نزدیک با شوروی برقرار گرفته بودند، مخصوصاً که سران کرملین قول داده بودند که از سوریه حمایت نظامی خواهند کرد، ناسیونالیستها (ملی گرایان) علاقه شدید به تجدید هیات سوریه بزرگ داشتند که شامل اردن، فلسطین، لبنان و قسمتی از ترکیه بود که پس از جنگ جهانی اول (سال 1918) تقسیم شده بود و قسمتهای جدا شده از جمله خاک اصلی سوریه، مدتها تحت الحمایه فرانسه قرار گرفته بود، فشار همین ملی گرایان بود که سبب شد بعداً سوریه

با مصر جمهوری متحد عربی را به وجود آوردند تا با صدای رساتر به سوی هدفهای ملت پیش بتازند و سرانجام، اختلاف نظر این سه گروه باعث روی کار آمدن حزب سوسیالیست بعث در سوریه شد ، سوریه از هزاران سال پیش یک کشور کلیدی در مدیترانه شرقی بوده است و به دلیل اهمیت منطقه ای و استراتژیک، عمدتاً تحت سلطه و نفوذ یک قدرت بزرگتر قرار داشته از جمله ایران، مقدونی ها، رومیها، حکومت مرکزی اسلامی، فرانسه و عثمانی به مدت 4 قرن، سوریه در عین حال یکی از گهواره های تمدن بشمار می رود.

2 - تجزیه فلسطین به دو بخش :- به تاریخ 29 نومبر سال 1947 میلادی: مجمع عمومی سازمان ملل متحد تجزیه فلسطین را به دو بخش عرب نشین و یهودی نشین تصویب کرد و شهر بیت المقدس را هم به عنوان منطقه بین المللی اعلام نمود، پس از این اعلامیه و خروج آخرین سربازان انگلیسی مستقر در بیت المقدس، شورای یهود تشکیل جلسه داد و استقلال رژیم قدس را اعلام کرد، گفتنی است دولتهای عرب به وجود این رژیم اعتراض کردند، اما جنگ آنها هم با مداخله سازمان ملل متحد به متارکه انجامید، اما مسلمانان فلسطینی از آن زمان تا کنون به مبارزه علیه رژیم قدس پرداختند.

3 - پیروزی یوگسلاوی بر آلمان :- به تاریخ 29 نومبر سال 1945 میلادی: شورای آزادیبخش و ضدفاشیستی یوگسلاوی سابق به ریاست تیتو تشکیل شد، در این روز شورای آزادیبخش یوگسلاوی سابق نخستین دولت یوگسلاوی را بعد از پیروزی تیتو بر آلمان تشکیل داد، با رهبری همین شورا بود که یوگسلاوی توانست در جنگ جهانی دوم بر آلمان نازی پیروز شود.

روز شمار سی ام ماه نومبر

=====

1 - نظریات " میل " در باره دمکراسی :- به تاریخ 30 نومبر 1873 میلادی : سالروز انتشار اتوبیوگرافی « جان استیوارت میل» اندیشمند فیلسوف و اقتصاددان قرن نوزدهم است، وی در طول اقامت در کشور هند به عنوان یک مقام ارشد کمپانی هند شرقی انگلستان شاهد عینی شورش سال 1857 هند بود، جان استیوارت قبلاً روزنامه نگار و بعداً نماینده پارلمان انگلستان بود، « میل » با این عقیده اسپینوزا موافق بود که پیش از هر انتخابات، با وسائل مختلف به رای دهنده تفهیم شود که مسئول رای است که می دهد و اگر در دادن رای خود دقت لازم را به عمل نیاورد و آن را به فردی که شایستگی کامل ندارد و واجد شرایط لازم برای احراز مقام نیست بدهد به سهم خود مسئول جامعه و زیانهای است که منتخب او وارد می آورد و باید پاسخگو باشد، مهمترین آثار « میل » در باره دمکراسی کتاب « ملاحظاتی در باره دولت انتخابی » و کتاب « تفکراتی در فرم پارلمانی » هستند که کتاب اخیر در 1859 انتشار یافت، « میل » که بتاريخ 20 می سال 1806 میلادی در لندن به دنیا آمد می گوید : جامعه ای که مردم آن آموزش دمکراسی ندیده اند و در فصل رای گیری به آنان توصیه می شود که به چه کسی رای بدهند و آنان هم چشم بسته می پذیرند نیاز به پنجاه سال زمان (تمرین دمکراسی) دارد تا به صورت یک دمکراسی کامل (واقعی) در آید، به عقیده « میل » ، هنگامی یک کشور می تواند ادعا کند دمکراسی کند که مردمش اهمیت رای دادن و مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بدانند، موصوف می گوید در جامعه آلوده به فساد و ضعف های اخلاقی رشد دمکراسی بسیار کند است و در جوامع فقر زده هم مردم به تنها چیزی که اهمیت نمی دهند « رای دادن » است، « میل » در سال 1861 ناگهان به برابری ارزش آراء تردید کرد و گفت: چگونه می توان رای یک تبعه بی اعتنا و بی تفاوت را که دادن و یا ندادن رای برایش فرق نمی کند با رای یک اندیشمند ، فرد موثر و تبعه مصمم برابر دانست؟ او بعداً نسبت به اکثریت عددی در پارلمان هم شك و تردید کرد و گفت چگونه می توان در تصمیمگیری ها ، میان یک نماینده دانا ، آگاه و دلسوز با یک نماینده فاقد این صفات فرق نگذارد، برای رفع این نقص، وی سپس پیشنهاد کرد که شرایط انتخاب شونده وسیعاً اصلاح گردد و به انتخاب کننده آموزش لازم داده شود تا مسئولیت خود را بداند، او پارلمان مرکب از افراد غیر واجد شرایط را « دمکراسی ظاهری » خواندو اضافه کرده که با نوعی انتخابات دو مرحله ای است که می توان هدف میل را تأمین کرد؛ به این ترتیب که مردم در دسته های کوچک نمایندگان خود را انتخاب کنند و این نمایندگان که آگاهی بیشتری دارند مقامات انتخابی را از میان نامزدهای واجد شرایط برگزینند. « میل » در زمینه انتخاب رئیس دولت نظری مشابه فارابی را بیان می دارد که همانا یافتن بهترین فرد جامعه و انتخاب او به مدیریت (اداره) آن است، وی با دوران تقنینیه پیش از دو سال موافق نبود و با حرفه ای شدن و کالت مردم مخالفت کرد و به همین دلیل هم نسبت به دمکراسی آمریکا تردید داشت، او در این زمینه نوشته است: وکیل حرفه ای (پی در پی انتخاب شدن) در هر جامعه هوای طبقات متوسط و بالا را خواهد داشت که خود از آنها سود می برد، « میل » همچنین گفته است که اگر اکثریت یک پارلمان از افراد کم معلومات ، ضعیف و با تفکری ناقص تشکیل شود باید در قانون ترتیبی داده شده باشد که بتوان بدون معطلی انتخابات را تجدید کرد زیرا که منطقاً نباید اداره امور در دست چنین پارلمانی باقی بماند .

2 - خلع سلاح قوماندانان محلی اندخوی :- به تاریخ 30 نومبر 2002 میلادی : جنرال دوستم طی سفر به منطقه اندخوی در ولایت فاریاب ، تمام قوماندانان این منطقه را خلع سلاح کرد، وی روز پنجشنبه در راس یک هیئات متشکل از نمایندگان تمام گروه ها و جناح های شمال ، سازمان ملل و کشورهای کمک دهنده ، برای جلب همکاری و خلع سلاح قوماندانان محلی عازم اندخوی شد و روز جمعه به خلع سلاح این منطقه پایان داد.

3 - قوای نظامی آمریکا در افغانستان :- به تاریخ 9 قوس 1381 خورشیدی (30 نومبر 2002 میلادی) جنرال تامی فرانکس قوماندان عمومی قوای آمریکا در شرق میانه ، آسیای مرکزی و افغانستان روز جمعه به میدان هوایی بگرام ، مرکز قوماندانی قوای آمریکا در افغانستان مواصلت کرد و به خبر نگاران گفت : جنگ آمریکا بر ضد ترور در افغانستان به پایان رسیده است و قوای آمریکایی عملیات باز سازی را در این کشور آغاز میکنند" کابل ، ای پی " /

**ختم رویداد های مهم جهان
در ماه نومبر سالهای مختلف**